

مدیریت استراتژیک دولتی

(بررسی کارائی استراتژیکی دولتها در اقتصاد نسبت به دخالت دولتها در برنامه ریزی با توجه به تاجریسم و ریگانیزم)

حنان عموزاد مهدیرجی

فهرست مطالب تحقیق : مدیریت استراتژیک دولتی (تاجریسم و ریگانیزم)

مقدمه : گفتمانهای چهارگانه جامعه و دولت

فصل اول : سئوالات اصلی , مفروضات , فرضیات اصلی و فرعی , متغیرهای مستقل و وابسته , مفاهیم کاربردی و عملی و فرضیات رقیب تحقیق .

فصل دوم : تعاریف استراتژی دولتها در برخورد با بحرانها و ماهیت دولت استراتژیک

فصل سوم : کینز گرایی, کارایی ها و ناکارآمدیها

قسمت اول : کارایی کینز گرایی

الف : اهداف اساسی کینز گرایی در اقتصاد برنامه ریزی شده

ب : کارآمدی کینز گرایی

قسمت دوم : دو فرمول هویت اقتصادی کینزی

قسمت سوم : نا کارآمدی اقتصاد کینزی و تبعات آن

قسمت چهارم : اثرات بحرانی اقتصاد کینزی و استراتژی تقابل با آن

قسمت پنجم : تاثیرات بین المللی اقتصاد کینزی و علل آن

فصل چهارم : دیدگاههای بنیان اقتصاد نئولیبرالیسم (ریگانیزم , تاجریسم در مقابل کینز گرایی)

الف : ویژگیهای اندیشه های اقتصادی نئولیبرالیستی فون هایک , نظم خودجوش بازار و ناکارآمدی

اقتصاد های برنامه ریزی شده

قسمت اول : معرفت شناسی هایک و نقد برنامه ریزی اجتماعی

قسمت دوم : برنامه ریزی کلی و تایید نظم خود جوش

قسمت سوم : معایب برنامه ریزی دولتهای رفاهی و سوسیالیستی

قسمت چهارم : آزادی و نظم خود جوش از منظر هایک

قسمت پنجم : نگاه اصلاح گرایانه هایک به نظم بازار

قسمت ششم : نقد هایک بر کارایی عدالت توزیعی و اجتماعی

قسمت هفتم : دیدگاه هایک در تایید نظام رقابتی

قسمت هشتم : انتقادهای هایک بر دموکراسی

قسمت نهم : نقد نظریه سیاست پولی فریدمن از سوی هایک

قسمت دهم : حقوق طبیعی و نتایج آن از منظر هایک

۱- عناصر تغییر ناپذیر حقوق طبیعی

۲- نتایج تغییر ناپذیر حقوق طبیعی

ب : اندیشه های اقتصاد بدون دولت رابرت نزیک

مقدمه :

قسمت اول : دیدگاه نزیک نسبت به انسان

قسمت دوم : دیدگاه نزیک نسبت به جامعه

قسمت سوم : ویژگی وضعیت طبیعی نزیک و دولت ها

قسمت چهارم : ویژگی و کارکرد دولت نزیک

قسمت پنجم : نظرات نزیک نسبت به دولت حداقل

قسمت ششم : تاکید نزیک به انجمن هادر شکل گیری دولت حداقل

قسمت هفتم : نظر نزیک نسبت به مالیات

قسمت هشتم : مالیات و نزیک

قسمت نهم : عدالت استحقاقی نزیک

قسمت دهم : کارآمدها و تاییدات نظرات نزیک

قسمت یازدهم : نقد و ناکارآمدهای دیدگاه نزیک

ج : اندیشه اقتصادی نئولیبرالیستی میلتون فریدمن در رد کینز گرایی و دخالت دولت در اقتصاد

مقدمه :

قسمت اول : نظرات فریدمن در مورد علل بحرانهای سرمایه داری

قسمت دوم : تاثیرات دخالت دولت بر اقتصاد از دیدگاه فریدمن

قسمت سوم : توصیه های فریدمن

قسمت چهارم : نتیجه گیری سه دیدگاه نئولیبرالیستها

فصل پنجم : علل ظهور دولت رفاهی آمریکا و بحران دهه هفتاد

قسمت اول : علل ظهور آمریکا در رهبریت نظام سرمایه داری و اهداف آن

قسمت دوم : ویژگی بحرانهای دولتهای رفاهی آمریکا در دهه هفتاد

فصل ششم : شاخص بحرانهای رفاهی آمریکا پس از جنگ دهه هشتاد

الف : کاهش بهره وری نیروی کار آمریکا

ب : کاهش سهم آمریکا در تجارت جهانی

ج : کاهش ذخایر مالی آمریکا

د : سقوط سهم صادرات آمریکا

ه : شاخص سهم تولید نفت آمریکا

و : کاهش رشد GDP

ز : کاهش تجارت آمریکا

ح : افزایش واردات نفت آمریکا

ط : افزایش وابستگی آمریکا به ژاپن

ی : افزایش وابستگی آمریکا به اروپا

فصل هفتم : تاثیرات بحرانهای دولتهای رفاهی بر اقتصاد آمریکا

فصل هشتم : اقتصاد نئولیبرالیسم

مقدمه :

قسمت اول : عوامل موثر در جهانی شدن اقتصاد

قسمت دوم : کارایی بازار و تعامل آن با ساختارهای جهانی

قسمت سوم : تاثیر تغییرات ساختارهای بین المللی بر اقتصاد جهانی

قسمت چهارم : اهداف آمریکا در جهانی شدن اقتصاد نظام سرمایه داری

فصل نهم : علل روی کارآمدن دولتهای لیبرالیسم جدید

فصل دهم : استراتژی دولت ریگان

فصل یازدهم : کارایی استراتژی دولت ریگان

فصل دوازدهم : تاچریسم

فصل سیزدهم : بررسی تاچریسم و ریگانیزم

قسمت اول : علل بروز تاچریسم و ریگانیزم

قسمت دوم : کارآیی و تاثیرات ظهور تاچریسم و ریگانیزم

فصل چهاردهم : دخالت دولتهاو آینده اقتصاد جهانی

قسمت اول : مشکلات اقتصاد جهانی

قسمت دوم : راه حل ها

مقدمه: گفتمانهای چهارگانه دولت و جامعه:

قبل از پرداختن به موضوع تحقیق یا طرح سئوالات اصلی و فرعی، مفروضات، فرضیات و متغیرهای مستقل و وابسته، مفاهیم انتزاعی و کاربردی بهتر است به زمینه‌ها، روندها، فرایندها و نتایج احتمالی موضوع تحقیق در ابتدا اشاره شود. مقوله رابطه دولت و جامعه در طول تاریخ اقتصادی غرب در چهار وجه ذیل صورت گرفته است:

دیدگاه نخست:

پس از سقوط امپراطوریهای دینی در غرب و پیدایش دولتهای ملی^۱ اقتصاد توانست تا حدودی خود را از قدرت سیاسی جدا سازد و نسبتاً از دخالت دولت رهایی یابد. با سقوط نظام فئودالیسم در غرب و پیدایش سیستم بازار و بورژوازی (یعنی اقتصاد شهری) زمینه توزیع اقتصادی فراهم شد که این توزیع قدرت اقتصادی سرانجام زمینه توزیع قدرتهای سیاسی را فراهم نمود. اما اقتصاد بازار به دلیل نزاع‌های مختلف مانند درگیریهای طرفداران دین و دولت، نزاع بین مالکین و رعایا، کشمکش بین شهرها و روستاها اختلاف بین کارگر و کارفرما، و سایر شکافهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی سرانجام متوسل به قدرتهای مطلقه ای شد که اقتصادهای شهری نو پا را هدایت نمودند. اما عمر این قدرتهای مطلقه و دولتهای مقتدر در غرب کوتاه بود و دیدگاهی مطرح شد که بانیان آن مانند لاک طرفدار برتری مالکیت بر حکومت شدند که همزمان دیدگاه اقتضامبتنی بر بازار با دولتهای محدود مورد حمایت قرار گرفت. یکی از طرفداران این دیدگاه آدام اسمیت بود که معتقد بود دستهای پنهان در بازار^۲ در سازش منافع فردی و جمعی موفق‌اند و مکانیزم بازار در تعادل قیمتها موثر واقع می‌شود و نیازی به دخالت قدرتهای سیاسی برای تنظیم بازار و برنامه ریزیهای اقتصادی وجود ندارد. این گفتمان نخست به دلیل جنگ اقتصادهای لیبرال با یکدیگر در طی دو جنگ اول و دوم جهانی دچار انحطاط گردید. علل جنگها ناشی از بحرانهای اقتصادی دهه بیست و سی قرن بیستم می‌باشد که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به عنوان بحران بزرگ قرون مطرح است.

دیدگاه دوم:

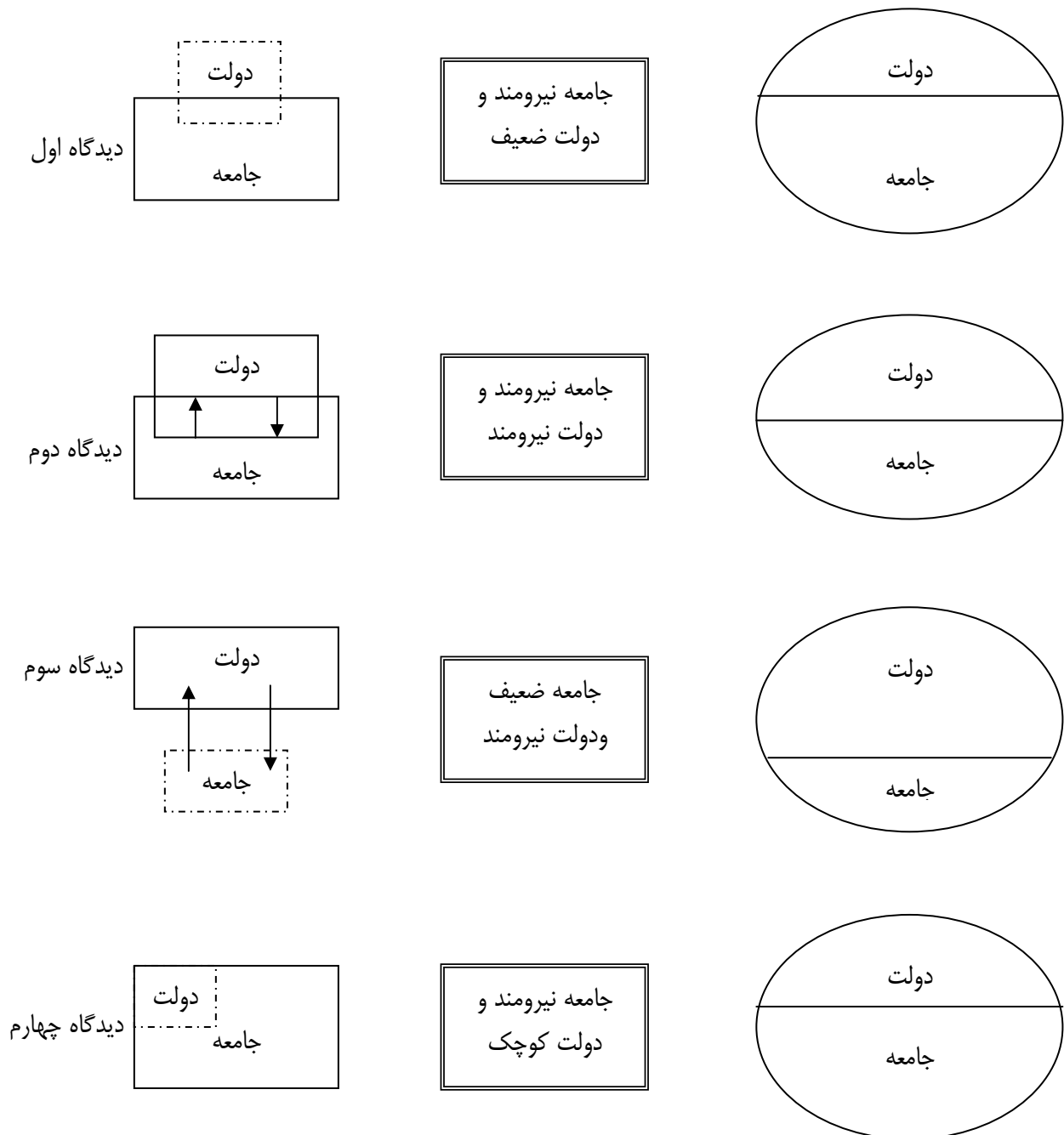
در این گفتمان که بعداً بطور مشروح به آن خواهیم پرداخت منظور همان دولتهای رفاهی هستند که بدلیل توصیه‌های کینز اقتصاددان معروف پایه‌گذاری شدند. ویژگیها، کارایی‌ها و نواقص آن مطالبی هستند که با جزئیات به آن اشاره خواهد شد. کینز گرایی در واقع در دهه هفتاد و هشت دچار بحران شد و موجب پیدایش نئولیبرالیسم شد. بطور اساسی نئولیبرالیسم واکنش نسبت به نا کارآمدی کینز گرایی و دولت رفاهی^۳ بود.

دیدگاه سوم:

^۱ Nation States
^۲ Unseenable Hands
^۳ Welfare State

به گستردگی دولتها و کوچک شدن جوامع اشاره دارد که نتایج آن رژیم های فاشیستی و نازیسم بود که از عوامل موثر در برانگیختن جنگ دوم جهانی در دهه سی پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ می باشد .
دیدگاه چهارم :

همان دیدگاه نئو لیبرالیسم است که در نقد اقتصاد کینزی و با رد نظریه دخالت دولت در اقتصاد ، و توجه مجدد به دیدگاه نخست ظهور یافت . چون دخالت دولت در اقتصاد و ناتوانی نظریه کینز در توسعه اقتصاد جهانی و حجیم شدن دولتها منجر به افزایش هزینه های عمومی و رفاهی و بحرانهای دیگر در اقتصاد جهانی گردید . این دیدگاه موضوع تحقیق ماست که به آن خواهیم پرداخت .



همانطور که اشاره شد بحرانهای اقتصادی را در واقع می توان تا حدودی موانع گسترش اقتصاد بازار دانست و ساختارهای دولتی را شبیه آنچه که در دیدگاه های چهار گانه ترسیم شد مانع دوم تلقی نمود .

الف : بحرانهای اقتصادی و نتایج آن:

۱ - بحران اقتصادی ۱۸۹۰ به بعد موجب انحطاط و زوال بر بریتانیا شد که جنگ جهانی اول را تسریع نمود .

۲ - بحران اقتصادی ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ به ویژه بحران اقتصادی بین المللی ۱۹۲۹ به دلیل نا کارآمدی بریتانیا و خروج آمریکا از جامعه ملل بود که سبب جنگ جهانی دوم شد .

ب : دخالت دولتها در اقتصاد و نتایج آن .

دخالت دولتها در اقتصاد به ویژه دولتهای نازیسم و کمونیسم موجب بروز جنگ جهانی دوم گردید . دخالت دولتها در اقتصاد و تاکید بر برنامه ریزیهای اقتصادی کمونیستی و سوسیالیستی به ویژه اتحاد جماهیر شوروی موجب سقوط سیستم دو قطبی و ظهور آمریکا در جهان گردید .

فصل اول : سئوالات اصلی ، سئوالات فرعی ، مفروضات ، فرضیات اصلی ، فرضیات فرعی ،

متغیر های مستقل ، متغیر های وابسته ، همبستگی و رابطه متغیرها مفاهیم کاربردی و عملی موضوع

تحقیق به شرح ذیل می باشد:

سولات اصلی :

- ۱- آیا دولتها قادر نیستند با برنامه ریزی اقتصادی زمینه رشد و پیشرفت اقتصادی در جامعه را فراهم سازند ؟
- ۲- آیا دخالت دولتها در برنامه ریزی اقتصادی موجب ناکارآمدی نظم بازار در اقتصاد میشود ؟
- ۳- آیا نظم اقتصادی بازار بدون دخالت دولت می تواند رفاه فردی واجتماعی را تامین نماید ؟

سئوالات فرعی :

- ۱ - اگر دولتها کوچک شوند و هزینه های آن کمتر شود آیا اقتصاد جامعه با رشد و پیشرفت همراه خواهد شد ؟
- ۲ - آیا دست پنهان قدرت سیاسی مانع کارایی دست پنهان قدرت اقتصادی آدم اسمیت در بازار می گردد ؟

مفروضات :

- ۱ - برنامه ریزی دولتها در بعد اقتصادی همواره قادر نیست که تمام موانع و فرصتهای موجود در جامعه را تعیین نماید .
- ۲ - برنامه ریزی دولتها در بعد اقتصادی همواره نمیتواند نیازها و خواسته های جامعه را بطور دقیق مشخص سازد .
- ۳ - برنامه ریزی دولتها در پروسه تصمیم گیری بیشتر با داده های غیر واقعی و دولتی روبرو هستند .

۴- برنامه ریزی دولتها در پروسه تصمیم سازی همواره قادر نیستند که بین داده ها و باز داده های جامعه رابطه واقعی برقرار نمایند .

۵- روند تصمیم سازی در طرحهای دولتی می تواند با بعضی از پروسه های غیر منطقی و غیر عقیدتی روبرو شوند .
فرضیات اصلی :

۱- برنامه ریزیهای دولتها فاقد کارآیی های لازم و کافی برای پیشرفت اقتصادی می باشند .

۲- دخالت دولتها و برنامه ریزی اقتصادی نظم خود جوش بازار را دچار اختلال می نماید .

۳- نظم خود جوش بازار می تواند با حضور دولتهای محدود و ناظر - رفاه فردی و جامعه را با هم تلفیق نماید .
فرضیات فرعی :

۱- دولتهای کوچک به دلیل هزینه های کم سبب شکوفایی اقتصاد می گردند .

۲- دست پنهان قدرت سیاسی , دستهای قدرت اقتصادی را در بازار می بندد .

مفاهیم انتزاعی^۱ .

۱- دستهای پنهان^۲ .

۲- نظم خود جوش^۳ .

۳- اقتصاد برنامه ریزی شده^۴ .

۴- اقتصاد خود کفایی^۵ .

۵- اقتصاد حمایتی^۶ .

۶- شناور کردن ارزها^۷ .

۷- مقررات زدایی^۸ .

۸- کنترل زدایی^۹ .

متغیرهای مستقل :

۱- دست پنهان .

۲- برنامه ریزی اقتصادی

۳- دخالت دولت .

^۱ Abstraction Conceptions

^۲ Unseenable Hands

^۳ Catallaxy

^۴ Planned Economy

^۵ Outarkic Economy

^۶ Protectionism Economy

^۷ Devaluation

^۸ Deregulation

^۹ Decontrol

۴ - دولت محدود .

۵ - قدرت سیاسی .

۶ - نظم خود جوش بازار .

متغیرهای وابسته :

۱ - پیشرفت اقتصادی .

۲ - رشد اقتصادی .

۳ - کارایی اقتصادی .

۴ - رفاه فردی .

۵ - رفاه اجتماعی .

همبستگی و رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته برای ایجاد فرضیه ها :

افزایش پیشرفت اقتصادی ----- کاهش دخالت دولت

افزایش رفاه اجتماعی ----- افزایش نظم خود جوش بازار

افزایش کارایی اقتصادی بخش خصوصی ----- کاهش برنامه ریزی اقتصادی

مفاهیم کاربردی و عملی :

۱ - رشد که کمی، تجربی و قابل مشاهده است .

۲ - افزایش درآمد .

۳ - تورم .

۴ - بیکاری .

۵ - نقدینگی .

۶ - کسری بودجه .

فصل دوم : تعاریف و استراتژی دولتها در بر خورد با بحرانها و ماهیت دولتهای استراتژیک .

قسمت نخست : تعاریف استراتژی دولتها در تحقق اهداف در بر خورد با بحرانها .

۱ - فولاردو دورانو^۱ استراتژی نظم عمیق و تاکتیک بزرگ است .

۲ - دومزروآ^۲ استراتژی تفکر ، تلفیق عقاید ، پیش بینی و استدلال ژرف و بکارگیری ابزارهاست .

^۱ Forald Durand
^۲ Oemaizeroy

- ۳- آرشیدوک شارل^۱ استراتژی همان اجرای پروژه های بزرگ است .
- ۴- استراتژی بزرگ (آنگلو ساکسونها) کاربرد موثر هنر در تمام تواناییهای دولتی است .
- ۵- لوسین پواریر^۲: کلیه قلمدو و شاخه های فعالیت کلیه افراد و تمامی گروههای ملزم و تابع را در بر می گیرد .
- ۶- امیل بورل^۳ و فن نیو من^۴ تصمیم گیریهایی که تمامی وضعیت قابل فهم برای طرفین را شامل می شود .
- ۷- استراتژی بزرگ : کلیه زمینه های فعلیت بشری از جمله روزهای اقتصادی , سیاسی , تکنولوژیکی , علمی , ایدئولوژیکی را در بر دارد .
- ۸- ماهان و دلبروک^۵ : عوامل جغرافیایی , اقتصادی و سیاسی دولت که هماهنگ با زمان و نیاز چنین می باشد .
- ۹- استراتژی روش بقاء یک جامعه است .
- ۱۰- ریمون آرون و استراتژی : استراتژی الهام خود را از تاریخ می گیرد .
- ۱۱- جولین لیدر و استراتژی : مجموعه کاملی از ابزارهای سیاسی , اقتصادی , ایدئولوژیکی , تکنیکی و عملی را استراتژی می داند .
- ۱۲- مایکل هوارد و استراتژی : طرحی کلانی که سیاست بین المللی را در بر می گیرد .
- ۱۳- استراتژی : علم روابط قابل مقایسه بین افراد , تحرکات , وضعیت , زمان و مکان می باشد .
- ۱۴- استراتژی : افزایش نقض اطلاعات حریف را مورد هدف قرار می دهد .
- ۱۵- استراتژی : خط مشی کم کردن عدم اطمینان و کنترل آن است .
- ۱۶- استراتژی : در نظر گرفتن اهداف , ترکیب اطلاعات از وضع موجود , کار کرد بر روی روش های اقدام , تحقیق و بر آوردن اهداف ملی است .
- ۱۷- استراتژی : مجموعه تصمیم گیریهای منظم و محاسبه شده از طریق اطلاعات تلقی می گردد .
- ۱۸- استراتژی : اقدام عقلایی در مقابل حریفان با متحدین ذینفع می باشد .
- ۱۹- استراتژی : تهیه پروژه ها , تلفیق منافع گوناگون و بکارگیری ابزارها است .
- ۲۰- استراتژی : کاربرد کلیه منابع موجود و قابل حصول به منظور حفظ و تعمیم ارزشهاست .
- ۲۱- استراتژی : ابزار تحقق اهداف بلند مدت است. (فرد آر - دیوید) .

قسمت دوم : ماهیت دولتهای استراتژیک:

تعاریف مدیریت استراتژیک :

^۱ Charle
^۲ Poireier
^۳ Borel
^۴ Von Neumann
^۵ Mohan & Elbruk

۱ - علم و هنر تدوین ، اجراء و ارزیابی تصمیماتی که سازمان را در دست یابی به اهداف دراز مدت قادر سازد .

۲ - روش (منطقی ، عینی ، سیستمی) تصمیمات سازمان که مبتنی بر اطلاعات کمی و کیفی است.

پروسه و روندهای دولت استراتژیک :

الف : تدوین استراتژی^۱ :

۱ - شناسایی تهدیدها و فرصتهای خارجی^۲ .

۲ - شناسایی ضعفها و قدرتهای داخلی^۳ .

۳ - تعیین اهداف استراتژیک^۴ .

۴ - انتخاب استراتژی خاص .

ب : اجرای مدیریت استراتژیک:

۱ - تعیین اهداف سالانه^۵ برای اجرای استراتژی .

۲ - تعیین سیاستها :تعیین شرایط روزمره و تکراری .

۳ - ایجاد انگیزه .

۴ - تخصیص منابع .

۵ - استفاده از توسعه فرهنگی برای تقویت استراتژی .

۶ - شالوده ریزی ساختارهای اثر بخش .

۷ - بازار یابی .

۸ - بوجه بندی .

۹ - ایجاد و بهره برداری سیستم اطلاعاتی .

۱۰ - جبران خدمات کارکنان .

ج: ارزیابی استراتژی^۶ :

۱ - بررسی عوامل داخلی و خارجی .

۲ - محاسبه و سنجش عملکردها .

۳ - اقدامات اصلاحی .

^۱ Strategic Formulation

^۲ External Opputunities and Threats

^۳ Internal Strength And Weeknesses

^۴ Longterm Objectives

^۵ Annual Objectives

^۶ Strategic Evaluation

فرایند مدیریت استراتژیک : ترکیب تحلیل علمی با هوش نخبگان که ایجاد امکان برای سازمان در تطبیق خود با دوره های بلند مدت به شیوه موفقیت آمیز را در بر دارد.

کارکرد و کارآیی استراتژیستها :

- ۱- ایجاد بسترهای لازم برای تغییرات .
- ۲- ایجاد توازن بین ثبات و نوآوری .
- ۳- ایجاد تعهد و احساس مالکیتها .

تفاوت استراتژیستها :

- ۱- تفاوت در نگرشها.
- ۲- همسو نبودن ارزشها.
- ۳- اختلاف در اصول اخلاقی.
- ۴- تفاوت در خطر پذیری .
- ۵- اختلاف در مسئولیت پذیری اجتماعی.
- ۶- تفاوت در توجه به میزان سود آوری .

فرصتها و تهدیدهای استراتژیها :

- ۱- تصویب یک قانون .
- ۲- عرصه محصول جدید توسط شرکت رقیب .
- ۳- فاجعه ملی .
- ۴- کاهش ارزش واحد پول کشور.
- ۵- قدرت و توان شرکت رقیب .
- ۶- بالا رفتن نرخ بهره ها .

۷- تاثیر رویدادهای جهانی (شرکتهای , بازارها , قیمتها , مواد اولیه , توزیع , دولتها , بستانکاران , سهامداران , مشتریان)

۸- تاثیر دیدگاههای جهانی.

۹- فن آوری اطلاعات و شبکه های رایانه ای .

۱۰- بازرگانی الکترونیکی .

۱۱- تخریب محیط زیست.

۱۲- پایان جنگ سرد و سقوط کمونیسم.

بررسی و نظریه :

با توجه به تعاریف استراتژیها ، ماهیت مدیریت استراتژیک، تهدیدها و فرصتهای استراتژی در سطح داخلی و خارجی می توان به این دیدگاه نزدیک گردید که دخالت دولتها در صحنه اقتصادی داخلی ممکن است به دلیل تحولات سریع جهانی مانع تحقق اهداف رشد و توسعه گردد. لذا دولتها اگر به تدوین استراتژی بپردازند و به تدریج خود را از اقتصاد های برنامه ریزی شده دور سازند ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی با شتاب همراه خواهد شد. اقتصادهای دولتی به دلیل تاخر زمانی نسبت به تحولات جهانی که ناشی از پروسه بوروکراسی دولتهاست چندان قادر نیستند که به یک رشد و توسعه موزون همگام با اقتصاد جهانی دست یابند.

فصل سوم : کینز گرایی , کارایی ها و ناکارآمدی ها

قسمت اول : کارایی کینز گرایی

همانطور که قبلا اشاره شد اقتصاد لیبرالیستی و سرمایه داری جهان در بعد اقتصادی با بحرانهای سال ۱۸۹۰ و سال ۱۹۲۹ روبرو گردید , لذا پس از جنگ جهانی دوم اقتصادهای برنامه ریزی شده مورد توجه سیاسی ,ایدئولوژیکی و نظامی غرب و شرق قرار گرفت. از یک سو دولتهای سوسیالیستی با مداخله تمام در اقتصاد دولتی در صدد مهندسی اجتماعی جامعه بر آمدند و در گروه غرب اقتصاد کینزی و دولت رفاهی مورد توجه قرار گرفت .

الف : اهداف اساسی کینزگرایی در اقتصاد برنامه ریزی شده:

- ۱ - حفظ اشتغال کامل .
- ۲ - کاهش مالیاتها .
- ۳ - افزایش هزینه های عمومی و دولتی به منظور ممانعت از رکود , عدم اشتغال , تورم.
- ۴ - ایجاد ثبات اقتصادی .
- ۵ - تعادل بین اشتغال و تورم.
- ۶ - پس انداز به منظور سرمایه گذاری.
- ۷ - توزیع برابر ثروت .
- ۸ - تمایل به مصرف بیشتر.
- ۹ - افزایش مالیاتها بر ثروتمندان به منظور رشد سرمایه گذاری و اشتغال.
- ۱۰ - افزایش تقاضا .

اساس نظریه کینز گرایی در اقتصاد برنامه ریزی، در تدوین تقاضا نهفته است بر طبق دیدگاه کینز برای رفع بحرانهای احتمالی آینده دولت با ورود به صحنه اقتصاد بهتر است در فرا گرد و روند کل تقاضا دخالت نماید و برنامه ریزی دولت بر طبق آن تدوین گردد تا با تقاضای موثر کالا مسئله عدم اشتغال بر طرف گردد.

کینز برای اینکه سرمایه داری مجدداً با بیماریها و بحرانهای گذشته روبرو نشود برای سرمایه داری نسخه ای نوشت که همان دولت رفاهی بود که این نسخه کینز برای سرمایه داری به بنیان و اساس برنامه ریزی اقتصادی دولتها بعد از جنگ جهانی دوم تبدیل گردید. حرف اساسی کینز چنین بود: نظام سرمایه داری ذاتاً تمایل به بحران دارد و دستهای پنهان آدام اسمیت در نظام سرمایه داری وجود ندارد و این تمایل به انحصار در ذات سرمایه داری است که بحرانها، رکودها، بیکاریها را به خود همراه دارد. در نتیجه نکته اساسی کینز این بود که حل بحران نظام سرمایه داری در تنظیم بودجه نامتعادل نهفته است. با افزایش هزینه های عمومی، دوره عدم اشتغال و بیکاری پایان می یابد. هزینه دولتها زمینه افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان را فراهم می سازد. از دیدگاه کینز دخالت دولت در سرمایه گذاری ضروری است چون نظام سرمایه داری متمایل به بحران و شکاف اقتصادی است که دولتها با دخالت خود در اقتصاد می توانند این شکافها را کاهش دهند و تعارضها را از بین ببرند و بیماری سرمایه داری را در مان نمایند و مانع بحران شوند

نسخه های کینز برای در مان بیماری و بحران سرمایه داری در گامهای نخستین خود در دهه های پنجاه و شصت (۱۹۵۰-۱۹۶۰) موفق بوده و تا حدودی دستاوردهای مثبتی را با خود به ارمغان آورد. نظریه کینز سبب رشد اقتصادی و بهبودی نسبی اقتصاد گردید، که در نتیجه اقشار جامعه به رفاه و ثروت دست یافتند.

ب: مزایای کینز گرایی و نتایج آن:

- ۱ - رشد نسبی اقتصادی.
- ۲ - ثبات قیمتها.
- ۳ - کورپراسیون^۱ و کمیسیون سه جانبه (دولت، سرمایه دار، و کارگر)
- ۴ - کنترل حجم پول.
- ۵ - ملی کردن صنایع.
- ۶ - آشتی اجتماعی.
- ۷ - توزیع قدرت در سرمایه داری.
- ۸ - ایجاد دولت رفاهی.
- ۹ - رشد اتحادیه های کارگری.
- ۱۰ - رشد احزاب.

^۱ Corporation

- ۱۱ - رشد هزینه های عمومی .
- ۱۲ - افزایش واقعی دستمزدها.
- ۱۳ - افزایش نقش دولت در اقتصاد.
- ۱۴ - کاهش بیکاری .
- ۱۵ - ثبات اقتصادی .
- ۱۶ - توزیع در آمد .
- ۱۷ - تضمین در آمد.
- ۱۸ - تنظیم اشتغال .
- ۱۹ - جلوگیری از سقوط شرکتهای زیان ده.
- ۲۰ - تامین کالای سوبسیدی .
- ۲۱ - تامین خدمات سوبسیدی.
- قسمت دوم : دو فرمول هویت اقتصاد کینزی:

$$(G-T) + (I-S) = (M-X) = NFB$$

$$(BD) + (I - M) = (TD)$$

G : Government Spending^۱

T : Taxes^۲

I : Investments^۳

S : Saving(Private)^۴

M : Import^۵

X: Export^۶

NFB: National Foreign Borrowing^۷

BD: Budget Deficit^۸

TD: Trade Deficit^۹

^۱ هزینه های دولت

^۲ مالیات

^۳ سرمایه گذاری

^۴ پس انداز خصوصی

^۵ واردات

^۶ صادرات

^۷ استقراض ملی خارجی

^۸ کسری بودجه

^۹ کسری تجاری

قسمت سوم : نا کارآمدی اقتصاد کینزی و تبعات آن :

اقتصاد کینزی علیرغم رفاه نسبی کوتاه مدت قادر نشد بحران موج سوم سرمایه داری را مهار کند . موج سوم پس از دو موج گذشته سالهای ۱۸۹۰ و ۱۹۲۹ در دهه هفتاد به ویژه در سال ۱۹۷۳ آغاز شد، که به واکنش دولتها به ویژه استراتژی آمریکا در مقابله با بحران انرژی ۱۹۷۳ منجر شد. استراتژی آمریکا در واقع توانست بحران مذکور را کنترل و بحرانهای بعدی را به تعویق بیندازد که تبعات آن به شرح ذیل می باشد :

- ۱ - بحران انرژی نفت خاور میانه در سال ۱۹۷۳.
- ۲ - کاهش سرمایه گذاریهای بخش خصوصی .
- ۳ - دخالت دولت در اقتصاد به منظور تامین رفاه عمومی .
- ۴ - دخالت دولت در اقتصاد به منظور ایجاد مشروعیت .
- ۵ - دخالت دولت در اقتصاد در کاهش بحران مشروعیت.
- ۶ - حمایت دولت از اتحادیه های کارگری .
- ۷ - حمایت دولت از اعتصابات .
- ۸ - حمایت دولت در تامین حقوق بیکاری.
- ۹ - کارگر سالاری .
- ۱۰ - بروز موج دوم بحران انرژی نفت در اواخر دهه هفتاد.
- ۱۱ - کاهش اختلاف بین سطح دستمزدها و حقوق بیکاری .
- ۱۲ - ترویج نوعی بیکاری مصنوعی .
- ۱۳ - افزایش بیکاری کاذب .
- ۱۴ - نوسانات بین تورم , رکود , بیکاری.
- ۱۵ - بروز تعارض در نظریات کینز .
- ۱۶ - کاهش انگیزه کار .
- ۱۷ - بروز جریانات معکوس علیه اقتصاد کینزی از سوی بانیان لیبرالیسم جدید.
- ۱۸ - عدم تمایل به کار از سوی نیروی کار بالقوه .
- ۱۹ - تامین معاش بیکاران از طریق مالیات سنگین .
- ۲۰ - افزایش سرمایه گذاری از طریق دخالت دولت .
- ۲۱ - مهاجرت نیروی کار از سایر کشورها به اروپا و آمریکا به دلیل وجود اقتصاد کینزی در این کشورها.
- ۲۲ - تمایل به اشتغال به کار نیروی کار مهاجر با دستمزد پایین در کشورهای اروپایی منجمله انگلستان.

- ۲۳ - روبرو شدن اقتصاد کینزی با نوسانات رکود .
- ۲۴ - مواجه شدن دولتها با اقتصاد برنامه ریزی شده با معضل بیکاری.
- ۲۵ - ایجاد سراب پول به دلیل سیاست مبتنی بر کسری بودجه .
- ۲۶ - نا کارآمدی تنظیم تقاضا در سطح کلان اقتصادی .
- ۲۷ - پنداشتن دولت به عنوان عامل اصلی بی ثباتی اقتصادی در اقتصادهای برنامه ریزی شده.
- ۲۸ - گسترش دولت .
- ۲۹ - افزایش تورم .
- ۳۰ - کاهش کارآیی اقتصادی.
- ۳۱ - عدم موازنه در تراز پرداختها.
- ۳۲ - نرخ بالای بهره .
- ۳۳ - تخصیص نادرست منابع.
- ۳۴ - نرخ پایین رشد .
- ۳۵ - افزایش بیکاری .
- ۳۶ - بحران مشروعیت دولت رفاهی سرمایه داری.
- ۳۷ - تشنج اجتماعی .

علل پرداختن به اقتصاد کینزی ، کینز گرایی ، اقتصاد برنامه ریزی شده ، دخالت دولت و تاثیرات آن به این علت می باشد که نظر کینز در اقتصاد زمینه های لازم برای حضور دولت در اقتصاد را از نظر تئوری فراهم نمود . دیدگاهی که در تحقیق مورد نظر است در واقع نظریاتی بر خاسته از بنیان لیبرالیسم جدید می باشد که در واکنش ، تقابل و رد نظریه کینز رواج یافتند . که بستر های لازم برای خصوصی سازی ، دولت محدود و استراتژیک به جای دولت برنامه ریز را فراهم نمود .

قسمت چهارم : اثرات بحرانی اقتصاد کینزی :

بحرانهای سرمایه داری دارای تعابیر متعددی . به عنوان مثال بعضی از اقتصاد دانان فاشیسم و نازیسم را که موجب جنگهای دوم جهانی شدند به عنوان مفر سرمایه داری از بحران اقتصادی بزرگ ۱۹۲۹ می دانند . در دهه هفتاد علت بحران انرژی سال ۱۹۷۳ ممکن است ناشی از جنگ اعراب و اسرائیل و تحریم نفت کشورهای صادر کننده عربی باشد اما بحران اساسی آن در دو علت دیگر نیز نهفته بود که دومین علت می تواند همان هزینه های دولت رفاهی باشد و سومین آن هزینه های نظامی ناشی از جنگ ویتنام باشد . عوامل سه گانه فوق سبب کاهش قدرت اقتصادی آمریکا نسبت به رقباء شد و دولت آمریکا در این دهه با بحران اساسی روبرو گردید و آن بحران در واقع خروج دلار از بانک

مرکزی (فدرال رزرو) آمریکا بود. این دلارها در اروپای آنروز (آلمان غربی) و ژاپن ذخیره شدند و سبب کاهش قدرت اقتصادی نسبت به رقبا گردید. لذا آمریکا نیاز داشت که این دلارها به آمریکا برگردند پس استراتژی آمریکا به صورتی تدوین گردید که دیگر موتور اقتصادی سرمایه داری خاموش نشود:

- ۱ - افزایش قیمت نفتها بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۷۴ پس از بحران انرژی سال ۱۹۷۳
- ۲ - خروج دلارهای ذخیره شده آمریکا از بانکهای ژاپن و آلمان غربی به خاورمیانه به منظور خرید نفت باقیمت بیشتر (چون قیمت نفت از ۳ دلار به ۲۰ بیست دلار در دهه هفتاد افزایش یافت)
- ۳ - فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاورمیانه به ویژه ایران با قیمت گزاف و تبدیل ایران به عنوان ژاندارم منطقه.

اقدام آمریکا در فروش تسلیحات به خاور میانه سبب شد که دلارهایی که این کشورها از فروش نفت به ژاپن و آلمان غربی فروختند به آمریکا باز گردد و در نتیجه دلار به مقصد اصلی خود یعنی بانک مرکزی آمریکا برگشتند و بحران سرمایه داری آمریکا در دهه هفتاد یعنی قبل از انقلاب ۱۹۷۹ ایران بدین نحو بر طرف گردید. بطور کلی می توان گفت دلار بدست آمده کشورهای خاورمیانه از رقباء اقتصادی آنروز آمریکا یعنی اروپا (آلمان غربی) و ژاپن به صورت ترانزیت در کشورهای خاورمیانه متوقف شد و به منظور خرید تسلیحات و لوازم نظامی و توازن قدرت نظامی با اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق مجدداً به بانک مرکزی آمریکا برگشتند.

قسمت پنجم: تاثیرات بین المللی بحران اقتصادی کینزی و علل آن:

همانطور که در قسمت سوم اشاره شد انتقال بحران سرمایه داری آمریکا همان استراتژی بود که در اوایل دهه هشتاد با روی کار آمدن ریگان و تدوین استراتژی تاچریسم و ریگانیسم شکل گرفت که نتایج عمده آن به شرح ذیل می باشد:

- ۱ - شدت یافتن خصوصی سازی^۱.
- ۲ - بین المللی شدن سرمایه در دهه هشتاد.
- ۳ - خروج سرمایه از آمریکا و کشورهای سرمایه داری.
- ۴ - حرکت سرمایه بسوی آسیای جنوب شرقی به عنوان تالاب های کوچک (نیروهای کار ارزان) برای صید مرغابیان (سرمایه داری).
- ۵ - صنعتی شدن کشورهای آسیای جنوب شرقی تحت عنوان کشورهای NIC^۲ یعنی کشورهای تازه صنعتی شده.
- ۶ - مقررات زدایی از اقتصادها.

^۱ Privatization

^۲ New Industrial Countries

چرا ساختار دولت به عنوان قدرت سیاسی ضرورتاً ناچار شد که پس از جنگ دوم جهانی در اقتصاد دخالت نماید . عوامل متعددی وجود دارد که سبب دخالت دولت های سرمایه داری در اقتصاد شدند که به شرح ذیل می توان به آن اشاره نمود :

- ۱- پیش گیری از تکرار بحرانهای سالهای ۱۸۹۰ و ۱۹۲۹ .
- ۲- ممانعت از بروز جنگهای جهانی که به دلیل پیامدهای بحرانهای سال ۱۸۹۰ و ۱۹۲۹ اتفاق افتادند .
- ۳- باز سازی خرابیهای پس از جنگ نیاز داشت که دولتها برای سازندگی بقایای ناشی از جنگ دوم وارد عمل شوند .
- ۴- موضوع طرح مارشال از سوی آمریکا برای کمک به کشورهای اروپا (به ویژه آلمان غربی) و ژاپن .
- ۵- احیاء و باز سازی اقتصاد جنگ زده کشورها در دو بلوک متخاصم .
- ۶- کمک به کشورهای غیر پیشرفته به ویژه آمریکای لاتین تحت عنوان اتحاد برای صلح و پیشرفت .
- ۷- قبول مسئولیت رهبری سیاسی اردوگاه سرمایه داری از سوی آمریکای پس از زوال قدرت بریتانیا در جنگ جهانی دوم .
- ۸- نیاز و ضرورت لازم برای رفاه مردمان کشورهای خسارت دیده که به دلیل خرابی جنگ به مراقبت و خدمات بیشتری نیاز داشتند .
- ۹- ایجاد بلوکهای اقتصادی شرق و غرب و قبول مسئولیت بلوک اقتصادی غرب از سوی آمریکا .
- ۱۰- بروز و ظهور دیدگاههای سیاسی لیبرال دموکراسی و تجویز دخالت بیشتر دولت در اقتصاد لیبرالیستی .
- ۱۱- گسترش دولت - ملتها^۱ در عصر کینزی که در اوج حیات سیاسی بودند و نه تنها دارای حاکمیت فائده بودند بلکه می توانستند وارد اتحادیه ها ، ائتلافها ، بلوکها شوند لذا مداخله آنها در اقتصاد نیز در چارچوب تحولات جهانی چندان بی مورد بنظر نمی رسد .
- ۱۲- ساختارهای دولتی پس از جنگ دوم جهانی به ویژه در جهان سوم سهم نسبتاً مهمی در توسعه اقتصادی به عهده گرفتند و دخالت آنها در اقتصاد به منظور توسعه اقتصادی گرچه با انجماد سیاسی همراه بود ولی مورد پذیرش نسبی قرار گرفت .

فصل چهارم : دیدگاه اقتصاد نئولیبرالیسم (ریگانیزم و تاچریسم) در تقابل کینز گرایی :

الف : ویژگی اندیشه اقتصادی نئولیبرالیستی فون هایک^۲ با طرح نظم خود جوش بازار :
قسمت اول : دیدگاه معرفت شناسی هایک و برنامه ریزی اجتماعی :

^۱ Nation State ط
^۲ Von Hayek

فون هایک مهمترین نماینده موج تازه لیبرالیسم بعد از جنگ جهانی دوم است . بطوری که اندیشه های لیبرالیسم کلاسیک توسط وی جان تازه گرفت . هایک آثار متعددی از خود بجا گذاشت . نخست این نکته قابل یادآوری است که دیدگاه معرفت شناسانه هایک الهام بخش نوشته های او به ویژه در زمینه اقتصاد بوده است . معرفت شناسی هایک متأثر از کانت^۱ است بدین معنی که انسان قادر نیست پدیده های واحد را چنان که واقع شده اند دریابد . نظمی که ما در بیرون می یابیم حاصل ذهن ماست که واقعیت عینی و خارجی ندارد . لذا هدف شناخت ، فقط می تواند مختص در حد توانایی عقل باشد .

با توجه به دیدگاه معرفت شناسی هایک می توان پذیرفت که او معتقد است اشراف ذهن بر جامعه امکان پذیر نیست که بتوان در سایه سلطه ذهن بر جامعه ، آن را دگرگون نمود . نظم اجتماعی از دیدگاه هایک محصول عقل انسان نیست لذا می توان نتیجه گرفت از نگاه هایک برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی غیر ممکن می باشد .

قسمت دوم : برنامه ریزی کلی و تایید نظم خود جوش :

۱ - شناخت زندگی اجتماعی خصلت عملی (غیر علمی) دارد که نمی توان آن را در ذهن واحد متمرکز نمود .
۲ - شناخت انسان در آداب و سنن نهفته است که از طریق قواعدی بر رفتار ما حکومت می کند که قابل شناخت نیستند .

۳ - هر گونه برنامه ریزی مبتنی بر تظاهر به شناخت^۲ است چون ما تحت قواعدی که آگاهی نداریم عمل می کنیم .

۴ - نظم خود جوش^۳ با سفسطه سازی^۴ سنخیتی ندارد .

۵ - اندیشه باز سازی جامعه بصورت عقلانی یا بصورت اندیشه انقلابی تلاشی بیهوده است .

۶ - نظم خود جوش و نظم موجود در جامعه حاصل طرح عقلانی نیست .

۷ - عقلانیت معطوف به سازندگی^۵ معتقد به شناخت کامل جامعه و هدایت آن است که پایه اندیشه برنامه ریزی اقتصادی و اقتصاد سوسیالیستی و افکندن طرح نواست .

۸ - عقل تکاملی و تدریجی^۶ خود جوش و بر نهادهای اجتماعی تکیه دارد .

۹ - دست پنهان آدام اسمیت در تکوین نهادها دخالت دارد .

۱۱ - انسان تمدن را طراحی نکرده و ذهن نمی تواند پیشرفت را پیش بینی کند .

۱۲ - شناخت ضمنی یا عملی^۷ بر شناخت منظم و علمی تقدم دارد .

۱۳ - جامعه موجودی هدفمند و مصنوعی نیست .

^۱ Kant

^۲ Pretence To Knowledge

^۳ Catallaxy

^۴ Constructive Fallacy

^۵ Constructive Rationality

^۶ Evolutionary Rationality

^۷ Implicit Knowledge

- ۱۴ - نظام اقتصادی نظام غیر مصنوعی و تابع تکامل نظم خود جوش است .
- ۱۵ - در بازار نظمی وجود دارد که بدون دخالت‌های اجباری و خود سرانه قدرتها فعالیت‌های انسان ها با یکدیگر هماهنگ می شود .
- ۱۶ - نظم بازار با روندی که دارد اهداف غیر اقتصادی را که به نفع همگان باشد بهم سازش می دهد .
- ۱۷ - تکامل نظم خود جوش شبیه تکامل داروینی است که در آن تنها بنگاه‌های شایسته تر برنده هستند .
- ۱۸ - کاتالاکسی نظم خود جوش و خود کار بازار مانند دست پنهان آدام اسمیت است .
- ۱۹ - نظم خود جوش بازار به واسطه هماهنگی و هم پذیری متقابل پدید می آید .
- ۲۰ - در کاتالاکسی نظم خود جوش بازار تعقیب منافع خصوصی به تامین منافع عام می انجامد .
- ۲۱ - هیچ نهاد مصنوعی نمی تواند از لحاظ کارآیی و بیطرفی جانشین نظم خود جوش شود .
- قسمت سوم : معایب برنامه ریزی دولتهای رفاهی و سوسیالیستی :
- ۱ - برنامه ریزی های دولتی به زیان آزادیهای فردی تمام می شود .
- ۲ - برنامه ریزان تلاش دارند که دانش عملی بازرگانان و سرمایه گذاران را با رویه های نظری به بهره برداری بهتر از منابع تبدیل نمایند .
- ۳ - برنامه ریزان فاقد سازوکارهای لازم برای گرد آوری اطلاعات اند .
- ۴ - برنامه ریزی مانع نظام آزاد قیمت ها میگردد .
- ۵ - بازار برنامه ریزی شده بازاری است که به دلیل دخالت دولت مخدوش شده است .
- ۶ - تنها بازار سیاه می تواند از سقوط بازار دولتی به اقتصاد معیشتی جلوگیری نماید .
- ۷ - اقتصاد برنامه ریزی شده نه تنها ناکاراً بلکه ناممکن است .
- ۸ - تصمیمات دولت در اقتصاد به سود برخی و به زیان گروه دیگر تمام می شود .
- ۹ - تصمیمات دولتی در اقتصاد تبعیض آمیز و فرا قانونی اند (قابل ذکر است به تفاوت آزادی و عدالت ، نظم خود جوش از منظر هایک اشاره شد) .
- ۱۰ - دخالت دولت در اقتصاد منحل آزادی و در نهایت ناموفق و ناکام است .
- ۱۱ - دولتها با دخالت در اقتصاد تلاش دارند قدرت را از طبقه ممتاز به مردم منتقل کنند .
- ۱۲ - برنامه ریزی دولتی و سوسیالیسم سرچشمه اصلی مشکلات جهان اند .
- ۱۳ - برنامه ریزی های دولتی موجب پیدایش دولتهای فاشیسم و نازیسم شدند .
- ۱۴ - دولتهای سوسیالیزم و برنامه ریز گرچه خود را به دموکراسی نزدیک می کنند اما در مدت کوتاه به سرکوب متوسل می شوند .

- ۱۵ - دولتها هستند که از تورم بنفع قدرت سیاسی بهره برداری می کنند .
- ۱۶ - برنامه ریزی و نظارت اجتماعی با روشهای دموکراتیک و پارلمانی تناسبی ندارند .
- ۱۷ - برنامه ریزی و تمرکز اقتصادی منجر به نتایج غیره منتظره خواهند شد .
- ۱۸ - برنامه ریزی متمرکز دولتها در اقتصاد سبب محورشدن آزادی و پیدایش توتالیترانیسم^۱ می گردد .
- ۱۹ - رشد و توسعه هیچگاه قابل برنامه ریزی نیستند .
- ۲۰ - آزادی های مثبت دولتی آزادی نیست بلکه نوعی قدرت محسوب می شود .
- ۲۱ - دخالت دولت در اقتصاد تحت عنوان تامین عدالت اصل آزادی منفی را مخدوش می سازد .
- ۲۲ - تورم و نوسان قیمتها نتیجه ناتوانی حکومتها در حفظ ثبات پولی است .
- ۲۳ - برنامه ریزان معتقدند که قدرت سیاسی باید وضع مادی و رفاهی افراد را تعیین نمایند .
- ۲۴ - ایجاد رفاه و زندگی بهتر بر اساس برنامه ریزی و تغییرات در توزیع امکانات نادرست می باشد .
- ۲۵ - نظام های بازار مبتنی بر دخالت دولت نظام های مصنوعی اند .
- ۲۶ - دخالت دولت در تولید ، عرضه ، خدمات مانع نظم خودجوش بازار سرمایه داری می گردد .
- ۲۷ - عامل توزیع ثروت نه در رفتار و دخالت دولتها بلکه در مکانیسم بازار نهفته است .
- ۲۸ - امور زندگی فردی شامل معیشت ، درآمد ، مسکن در حوزه مکانیسم بازار است که از صلاحیت دولتها خارج اند .
- قسمت چهارم : آزادی و نظم خود جوش از منظر هایک :
- ۱ - نظم خود جوش محصول آزادی است .
- ۲ - آزادی منفی منبع ارزش هاست .
- ۳ - آزادی رابطه افراد آزاد و مستقل با یکدیگر است .
- ۴ - آزادی افراد ربطی به تملک منابع و وسایل مادی ندارد .
- ۵ - ارزش آزادی از دید هایک در امور پیش بینی ناپذیر نهفته است .
- ۶ - ارزش آزادی در فرصتهایی است که برای پیدایش امور طراحی های قبلی از طریق دولت صورت گرفته نباشد .
- ۷ - ویژگیهای نظم خود جوش یا کاتالاکس شبیه اصل عدم قطعیت^۲ هایزبرگ در عرصه فیزیک است .
- ۸ - در نظم خود جوش ما قواعد حاکم را نمی شناسیم .
- قسمت پنجم : نگاه اصلاح گرانه هایک به نظم بازار :
- ۱ - فرایند بازار از دید هایک نه عادلانه و نه غیر عادلانه است .
- ۲ - فرایند بازار دارای نتایج غیر عمدی و غیر قابل پیش بینی است .

^۱ Totakitarianism
^۲ Uncertainty

- ۳- تقاضای عدالت از فرایند بازار بیهوده و عبث است .
- ۴- شیوه توزیع امتیازات و محرومیتها در نظام بازار در همه موارد عادلانه نیست.
- ۵- بعضی از نابرابری ها و ناروایی ها در نظام بازار نهفته است که نه تنها اجتناب ناپذیر بلکه مفیدند و جزئی ضروری از فرایند تمدند .

قسمت ششم : نقد هایک بر کارایی عدالت های توزیعی و اجتماعی :

- ۱- عدالت توزیعی مبتنی بر رفع نیازها و رعایت شایستگی ها امور بنیاد و غیر علمی اند.
- ۲- توزیع ثروت نمی تواند امری عادلانه محسوب شود .
- ۳- اندیشه عدالت توزیعی بر معیارهای ذهنی همراه است .
- ۴- اندیشه عدالت توزیعی در اجراء با اعمال سلیقه ها همراه می گردد.
- ۵- عدالت توزیعی تهدیدی جدی برای جامعه آزاد است .
- ۶- عدالت توزیعی حاوی نقطه نظام توتالیتراست .
- ۷- دولت رفاهی یکی از تجلیات عدالت توزیعی است.
- ۸- عدالت توزیعی بنیان آزادی را راست می کند .
- ۹- عدالت توزیعی اساس رقابت را مخدوش می سازد.
- ۱۰- عدالت توزیعی مانع تکامل است .
- ۱۱- تاکید بر عدالت اجتماعی موجب تضعیف آزادی می شود.
- ۱۲- عدالت اجتماعی ناقض اصول قانون عادلانه است .
- ۱۳- عدالت اجتماعی مانع آزادی است.
- ۱۴- عدالت اجتماعی در تلاشش برای یکسان سازی موجب رفتار نابرابر با افراد می شود.
- ۱۵- عدالت اجتماعی در کوشش خود برای یکسان سازی، زمینه های ناروایی ها را فراهم می سازد.
- ۱۶- عدالت اجتماعی بر این تلاش است که بر مبنای قدرت سیاسی موقعیت مادی افراد و گروه ها را تعیین کند که چنین شکل دهی منظم اندیشه های گمراه کننده است .
- ۱۷- عدالت اجتماعی بیان حسن نیت در باره مردم بیچاره و بینوا نیست .
- ۱۸- عدالت اجتماعی ترفند ریاکارانه ای است که باید در لوای آن خواست برخی گروه ها تامین شود.
- ۱۹- هایک پیشنهاد می کند بهتر است لفظ عدالت اجتماعی از زبان سیاسی حذف گردد.
- قسمت هفتم : دیدگاه هایک در تایید نظام رقابتی:
- ۱- رقابت آزاد موجب افزایش کارایی می گردد .

۲- رقابت آزاد زمینه پیدایش کالاهای جدید را فراهم می سازد.

۳- رقابت آزاد سبب کاهش هزینه تولید می شود.

۴- رقابت آزاد زمینه کاهش نرخ تورم را آماده می نماید.

۵- اساس کارآیی نظام رقابتی سیستم قیمتهاست .

۶- نظام رقابتی نوع تولید مطلوب را تعیین می نماید.

۷- نظام رقابتی میزان تولید مناسب را فراهم می سازد.

۸- نظام رقابتی نیازهای جامعه را تامین می کند .

۹- نظام رقابتی مکانیسم تنظیم کننده تولید و عرضه است.

قسمت هشتم : انتقاد های هایک بر دموکراسی :

۱- نظر دموکراسی در اشکال اکثریتی , به ناروا قانون قلمداد می شود.

۲- دموکراسی موجب حکومت نامحدود می گردد.

۳- دموکراسی لزوماً به نفع مصالح عمومی عمل نمی کند.

۴- نزدیک شدن دولتهای برنامه ریز به دموکراسی زمینه سرکوب آینده آنها را فراهم می سازد.

قسمت نهم : نقد نظریه سیاست پولی فرید من از سوی هایک :

در قسمتهای آتی به دیدگاه میلتون فریدمن^۱ اشاره خواهیم نمود اما به دلیل اشاره به دیدگاه هایک در رد اقتصاد کینزی , نظر هایک در خصوص رد نظریه سیاست پولی فرید من را که خود از بانیان دیدگاه نئولیبرالیستی است به طور خلاصه مطرح می نماییم .

۱- پول نهاد اجتماعی است و دولت آنرا ایجاد نکرده است .

۲- پول نهاد اجتماعی است لذا نمی توان بر آن کنترل داشت .

۳- پول چیزی نیست که بتوان آنرا به دقت تعریف نمود .

۴- سیاست پولی نه مطلوب و نه ممکن است .

۵- پول را می توان به عنوان ابزار بکار برد .

۶- برای از بین بردن تورم باید انحصار پول را از دولت گرفت .

۷- پول را باید جزوی از فرایند بازار رقابتی قرار داد

۸- هایک به کشورهای اروپایی پیشنهاد نمود که مانعی بر سر راه پول یکدیگر ایجاد نکنند تا کشورها مجبور شوند ثبات پولی خود را تامین نمایند .

^۱ Freidman

قسمت دهم : حقوق طبیعی و نتایج آن از منظر هایک:

الف : عناصر طبیعی تغییر ناپذیر:

۱ - وفای به عهد .

۲ - دوام مالکیت .

۳ - انتقال اموال بر اساس توافق.

ب : نتایج حقوق طبیعی تغییر ناپذیر:

۱ - تضمین سعادت .

۲ - تامین رفاه .

اگر کینز بنیانگذار دولت رفاهی بود ، هایک اقتصاد دان اتریشی و دیگران بنیانگذاران نظام اقتصادی جدید شدند . اساس دیدگاه هایک نظم خود جوش تحت عنوان کاتالاکسی است که این نظم خود جوش در تقابل با نظم دولتی و حضور دولتها در اقتصاد و برنامه ریزی اقتصادی و مهندسی اجتماعی قرار دارد . این دیدگاه هرگونه مهندسی اجتماعی به صورت اصلاح را چنانچه در دیدگاه کارل پوپر مطرح است رد می نماید . دیدگاه وی در خصوص انسان ، آزادی ، عدالت ، حقوق طبیعی بازار ، نظام رقابتی اساس و بنیانی بود که اجراء آن توسط تاچر و ریگان تحت عناوین تاچریسم و ریگانیسم تحقق یافت .

ب : دیدگاه سرمایه داری بی دولت رابرت نزیک^۱ :

مقدمه : نزیک یکی از شارحین اقتصاد نئولیبرالیستی است . او در کتابی تحت عنوان ، آنارشی ، دولت دیو تو پیا^۲ به طرح دیدگاه خود پرداخته است . قبل از پرداختن به دیدگاه نزیک به یکی دیگر از جنبش های فکری قرن بیستم بنام لیبر تا ریانیسم^۳ (آزادی خواهی) اشاره می نماییم . این جنبش دارای طیف گسترده است که بطور عمده می توان آنرا به دو گروه اساسی تقسیم نمود :

دیدگاه نخستین گروه لیبرتاریانها : این گروه معتقدند که دولتها اساسا نامشروع اند که می توان این دیدگاه را تا حدودی آنارشستی یعنی دیدگاه جامعه بی دولت تلقی نمود .

دومین گروه لیبرتاریانها : این گروه معتقدند حکومت دارای وظایفی است که کارکرد آن حمایت پلیسی ، اجرای قرارداد ، و دفاع ملی است . این گروه اصطلاحا به مینارشئیستها^۴ طرفداران دولت حد اقل معروفند (رابرت نزیک و میلتن فریدمن در این گروه قرار دارند).

قسمت اول : دیدگاه نزیک نسبت به انسان:

^۱ Robert Nojick

^۲ Anarchy State And Utopia

^۳ Libertarianism

^۴ Minarchist

- ۱ - افراد نه به عنوان ابزار بلکه لازم است به عنوان هدف مورد توجه قرار گیرند.
- ۲ - انسانها هیچگاه برای بهره برداری از یکدیگر ساخته نشده اند .
- ۳ - هیچگاه نمی توان حقوق افراد را نقض نمود چون حقوق انسانها نقض ناپذیرند .
- ۴ - هر انسان حق انتخاب غایت مطلوب خود را به عهده دارد .

قسمت دوم : دیدگاه نزدیک نسبت به جامعه :

- ۱ - جامعه از مردمی تشکیل می شود که می توانند وارد آن جامعه شدند .
- ۲ - جامعه از افرادی ساخته می شود که می توانند آن جامعه را ترک کنند .
- ۳ - جامعه از انسانهایی است که می توانند آنرا شکل دهند .
- ۴ - جامعه یوتوپیا سازنده دولت حداقل است .
- ۵ - جامعه حاصل مبادلات پیچیده بازار است .

قسمت سوم : ویژگی و وضعیت طبیعی نزدیک و دولتها:

- ۱ - وضعیت جامعه اولیه و طبیعی بهترین وضعیت آنارشیستی است.
- ۲ - وضعیت اولیه واجد خطراتی مانند قصاص و انتقام جویی است .
- ۳ - وضعیت اولیه زمینه های جنگ علیه یکدیگر را موجب می گردد.
- ۴ - اثبات اینکه دولتها از وضعیت اولیه آنارشیستی برترند چندان آسان نیست.

قسمت چهارم : ویژگی و کارکرد دولت نزدیک :

- ۱ - دولت نزدیک دولت حداقل است .
- ۲ - وظیفه دولتهاحمایت از مالکیت هاست.
- ۳ - وظیفه دولت نزدیک جلوگیری از زور ,دزدی و کلاهبرداری است.
- ۴ - وظیفه دولت از منظر نزدیک حمایت از قراردادهاست .
- ۵ - وظیفه دولت حداقل تشکیل بهترین جهان قابل تصور است.
- ۶ - وظیفه دولت حداقل تامین حق برای افراد است .
- ۷ - در دولت حداقل نزدیک فرد نباید ابزار اهداف دیگران قرار گیرد.
- ۸ - در دولت حداقل نزدیک فرد هدف نهایی دولت محسوب می گردد.
- ۹ - وظیفه دولت حمایت افراد در مقابل خشونت , تعدی و تجاوز است.

قسمت پنجم : نظرات نزدیک نسبت به دولت حداقل :

- ۱ - وجود دولت موجب نقض حقوق افراد است .

- ۲ - نزدیک در دولت حداقل خود چنان بر حقوق فردی تاکید دارد که جایی برای حضور دولت باقی نمی گذارد.
- ۳ - دیدگاه نزدیک نسبت به دولت حداقل بر مبنای آنارکوکاپیتالیسم (سرمایه داری بی دولت) شکل گرفته است.
- ۴ - دولتها اساسا ناقص حقوق افرادند .
- ۵ - دولتها ذاتا غیر اخلاقی اند .
- ۶ - حق انحصاری مجازات بهتر است از دولتها گرفته شود.
- قسمت ششم : تاکید نزدیک به انجمن ها در شکل گیری دولت حداقل :
- ۱ - تشکیل انجمن ها و اجتماعات برای حمایت متقابل افراد از یکدیگر ضروری است.
- ۲ - اگر افراد به موسسات خاصی پول پرداخت نمایند آنها می توانند در انجام خدمات مرتبط به تامین عدالت به آنها کمک نمایند .
- ۳ - تشکیل انجمن های حمایت متقابل برای دفاع در برابر متخلفان لازم است.
- ۴ - شرکتهای حمایتی می توانند خدمات خود را در بازار ارائه نمایند.
- ۵ - تشکیل نظام قضایی فدرال که همه شرکتهای عضو آن باشند ضروری است .
- ۶ - شرکتهای می توانند وظیفه تعقیب , دستگیری , قضاوت , مجازات و تعیین خسارت ها را به عهده گیرند.
- ۷ - مشتریان و افراد می توانند از طریق پرداخت حق بیمه سالانه خدمات شرکتهای را خریداری نمایند .
- ۸ - انجمن ها در نظام قضایی فدرال می توانند و رای بازرس , نیروهای پلیس , قاضی و زندان عمل کنند.
- ۹ - به دلیل نگرانی از بازگشت به وضعیت اولیه یکی از انجمن ها به عنوان انجمن مسلط شکل می گیرد که خواهان انحصار اجرای قانون است .
- ۱۰ - انجمن مسلط در واقع همان دولت حداقل نزدیک است که خدمات لازم را برای کسانی که در قبال آن هزینه پرداخت می نمایند انجام می دهند.
- ۱۱ - انسانها برای رهایی از وضع طبیعی حاضرند به موسسه خاصی پولی پرداخت نمایند تا آنها را در زمینه خدمات مربوط به تامین عدالت , پلیس و غیره حمایت کند.
- ۱۲ - دولت نزدیک فدراسیونی از واحدهای شرکتهای حمایتی (رقیب) با نظام دادگاهها عالی است.
- ۱۳ - انجمن حمایتی مسلط به دولت بسیار حداقل یا (دولت حداقل) نزدیک بسیار نزدیک است .
- ۱۴ - دولت حداقل بهترین دولت از همه دولتهای ممکن می باشد .
- قسمت هفتم : نظر نزدیک نسبت به مالیات :
- ۱ - اخذ مالیات از سوی دولت برای ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی نا عادلانه و نارواست .
- ۲ - اخذ مالیات از سوی دولت استفاده از بعضی اشخاص به سود دیگران است .

- ۳ - گرفتن مالیات از سوی دولت فرقی با دزدی از سوی دولت ندارد .
- ۴ - ستاندن مالیات از طریق دولت از درآمدهای ناشی از کار مساوی با کار اجباری است.
- ۵ - اخذ مالیات از طریق دولت از حقوق ناشی از کار برابر با بردگی انسانها است .
- ۶ - مالیات در واقع دزدیدن نتایج کار اشخاص است .
- ۷ - مالیات گیری دولت برابر با ربودن ساعت کار افراد است .
- ۸ - مالیات افراد را مجبور می کند چندین ساعت از کار خود را برای تامین هدفهای دیگران اختصاص دهند.
- ۹ - مالیات در واقع همان بیگاری کشیدن مالیات دهندگان است .
- ۱۰ - اخذ مالیات برای نظم و امنیت قابل دفاع و توجیه پذیر می باشد.

قسمت هشتم : مالکیت و نزیک :

- ۱ - دارایی بر اساس نظریه عدالت استحقاقی^۱ مورد قبول و دفاع نزیک است .
- ۲ - مالکیت بر اساس عدالت همان دارایی چیزهایی است که مالک ندارند .
- ۳ - مالکیت مبتنی بر انتقال مالکیتی است که از طریق ارث یا مبادله صورت می گیرد.
- ۴ - مالکیت بر اساس نظریه عدالت استحقاقی جواز مالکیت نامحدود نیست .
- ۵ - کسب مالکیت نمی تواند منافع دیگران را نادیده گیرد.
- ۶ - مالکیت افراد نباید موجب وخیم تر شدن اوضاع دیگران شود.
- ۷ - عنوان مالکیت نامحدود (مالکیت آبهای آشامیدنی جهان) در صورت استفاده نادرست ممکن سبب فاجعه شود.
- ۸ - اگر مالکیت نبود انسانها فقیر می شدند که فقر آنها تا حدودی می توانست بهتر از فاجعه باشد.

قسمت نهم : عدالت استحقاقی نزیک:

- ۱ - نظریه عدالت استحقاقی نزیک می تواند جایگزین عدالت توزیعی دولتها شود.
- ۲ - عدالت استحقاقی همان عدالت در کسب یعنی استحقاق افراد در دست یافتن اشیاء و کالا است.
- ۳ - عدالت استحقاقی در واقع همان انتقال چیزها به صورت داوطلبانه می باشد .
- ۴ - بیعدالتی همان نقض دو اصل عدالت استحقاقی (کسب مالکیت و انتقال مالکیت) است که با دخالت دولت است.
- ۵ - ثروت افراد مال جمعی محسوب نمی شود که موضوع توزیع عادلانه اجتماعی قرار گیرد .

قسمت دهم : کار آمدی ها و تاییدات نظریات نزیک :

- ۱ - بت شکنی ها و ساختارردایی ها نزیک سود مند است.

^۱ Entitlement theory Of Justice

۲ - نزدیک ما را وادار می سازد که به این پرسش پاسخ دهیم که بین دزدی و یا توزیع دولتی چه تفاوت اخلاقی قرار دارد.

۳ - نزدیک ما را در وضعینی قرار می دهد که به این سوال جواب دهیم آیا بعضی از دزدیها مانند دزدی ناشی از گرسنگی افراد قابل توجیه می باشد؟

۴ - نزدیک دخالت دولت در اقتصاد را اساسا غیر اخلاقی و غیر ضروری میدانند .

۵ - نزدیک معتقد است توزیع دولتی از نظر اقتصادی غیر قابل توجیه است .

۶ - نزدیک به دلیل اعتقاد به عدم قطعیت می پذیرد که افراد باید نسبت به هرگونه آرمانگرایی (یوتوپتا) تردید نمایند.

۷ - از نظر نزدیک دولت حداقل می تواند چارچوبی باشد که هر کس بتواند در آن اتوپیا شخصی خود را دنبال نماید.

قسمت یازدهم : نقد و نا کارآمدی های دیدگاه نزدیک :

۱ - دیدگاه نزدیک به اغلب پرسشها پاسخ نداده است .

۲ - مبادلات بازار بعضا سبب نابرابری ها در ثروت و قدرت بین طبقات می شود (مانند اجبار کار فاقدان ابزار تولید از سوی دارندگان ابزار تولید) .

۳ - نظریه عدالت استحقاقی نزدیک کاربرد عملی ندارد.

۴ - نزدیک خود معتقد است که نظریاتش فاقد کلیتی کامل , تام و زیبا می باشد.

ج : دیدگاه فریدمن :

مقدمه : میلتون فریدمن منتقد نظریه کینز , دخالت دولت در اقتصاد , برنامه ریزی های دولتی و مهندسی اجتماعی است او طرفدار سرمایه داری , کاهش هزینه های دولتی و دولت حداقل می باشد . وی معتقد است که پیوستگی آزادی و سرمایه داری تنها در سرمایه داری آزادی نهفته است :

قسمت اول : نظرات فریدمن در مورد علل بحرانهای سرمایه داری:

۱ - کاهش حجم پول توسط بانک مرکزی (که بحران ۱۹۲۹ به دلیل کاهش حجم پول به یک سوم بین سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ بوده است) .

۲ - نخریدن اوراق بهاءدار دولتی توسط بانک مرکزی .

۳ - وقوع همزمانی عدم اشتغال و تورم (تورم ممکن است نتیجه عدم اشتغال یا علل آن باشد) .

۴ - تاثیر تقاضا بر افزایش تولید با قیمت بالاتر .

۵ - تاثیر تقاضا بر افزایش دستمزدها .

۶ - تاثیر تقاضا بر افزایش قدرت خرید.

۷ - تاثیر تغییر حجم پول بر نرخ طبیعی عدم اشتغال.

- ۸ - باقی ماندن نرخ طبیعی عدم اشتغال به دلیل افزایش تورم.
 - ۹ - تاثیر وضعیت اقتصادی بی ثبات بر نرخ تورم و عدم اشتغال.
 - ۱۰ - نا کارآمدی های نیروی بازار کار به دلیل دخالت حکومتها در قیمتها و دستمزدها.
 - ۱۱ - تاثیر افزایش عرضه حجم پول مازاد نسبت به نرخ رشد بر تورم .
 - ۱۲ - وابستگی عدم اشتغال به عوامل واقعی نظام بازار .
- قسمت دوم : تاثیرات دخالت حکومت بر اقتصاد از دیدگاه فریدمن:
- ۱ - دولتها مهمترین مانع آزادی تند .
 - ۲ - قدرت دولتها باید پراکنده شود .
 - ۳ - تاکید دولت رفاهی بر برابری به زیان آزادی تمام می شود.
 - ۴ - تاکید دولت رفاهی بر برابری به تمرکز دولت ختم می گردد.
 - ۵ - توزیع اقتصادی می تواند زمینه تضعیف دولتها را فراهم سازد.
 - ۶ - بزرگترین تهدید آزادی انسان قدرت متمرکز دولتی است .
 - ۷ - برابری اقتصادی دولت مبتنی بر عدالت و انصاف سبب افزایش قدرت سیاسی می گردد .
 - ۸ - برابری اقتصادی دولت مبتنی بر عدالت به زیان آزادی خاتمه می یابد .
 - ۹ - دولتی که به دنبال برابری می رود آزادی را قربانی می کند .
 - ۱۰ - دولتی که به دنبال برابری می رود به برابری دست نمی یابد.
 - ۱۱ - تامین اجتماعی از سوی دولت به سود طبقه متوسط پایان می یابد.
 - ۱۲ - تامین اجتماعی از سوی دولت به زیان طبقات بالا و پایین تمام می شود .
 - ۱۳ - دست پنهان سیاست همداره در خلاف دست پنهان اقتصادی آدام اسمیت عمل می کند .
 - ۱۴ - دخالت دولت در اقتصاد در نهایت به سود صاحبان قدرت و ثروت تمام می شود .
- قسمت سوم : توصیه های فرید من :
- ۱ - دولتها محدود و حد اقل می توانند کار آیی لازم در اقتصاد را داشته باشند.
 - ۲ - کاهش هزینه های دولت , تقلیل دولت سبب رونق سرمایه داری می شود .
 - ۳ - دولت حداقل و سرمایه داری آزادی ضامن آزادی افراد ند .
 - ۴ - کنترل حجم پول در گردش برای حفظ ثبات اقتصادی لازم است.
 - ۵ - افزایش مستمر و تدریجی حجم پول به منظور کاهش تورم ضروری است.
 - ۶ - افزایش مستمر و تدریجی حجم پول می تواند زمینه رشد را فراهم نماید.

۷ - افزایش مداوم و تدریجی حجم پول قادر است بستر های لازم اشتغال متناسب رافراهم سازد.

۸ - کاهش نرخ افزایش حجم پول باید در راستای نسبت افزایش رشد تورم تنظیم گردد .

قسمت چهارم : نتیجه گیری سه دیدگاه نئولیبرالیستها :

در فصل چهارم سه دیدگاه بنیان لیبرالیسم جدید یعنی (فون هایک , رابرت نزیک , میلتون فریدمن) در حد امکان مورد توجه قرار گرفت . این دیدگاهها تلاش داشتند کلان نگری را انتقاد قرار دهند و برنامه ریزی دولت در اقتصاد را در اشکال مختلف نقد نمایند و در هر دوره و هر عصری از تاریخ بشریت وجهی از هویت‌های انسانی ظهور می کنند که در حال حاضر هویت سرمایه داری توانست زمیته های لازم را برای بروز خود را فراهم سازد .

در ماهیت و محتوی سه دیدگاه بنیان نئولیبرالیسم چندین نکته می تواند موردتوجه قرار گیرد:

۱ - این دیدگاهها اساسا مخالف تمرکزند .

۲ - سه دیدگاه برنامه ریزی دولتی را مورد نقد و معایب آنرا مطرح نمودند.

۳ - سه دیدگاه هر گونه مهندسی اجتماعی را مورد تردید قرار دادند.

۴ - از دیدگاه آنها فهم پذیری انسان در برنامه ریزی اجتماعی فاقد کار آیی است.

۵ - نظم خود جوش بازار دارای اطلاعات اقتصادی است .

۶ - نظم های غیر مصنوعی و غیر برنامه ریزی شده دارای هدف می باشند.

فصل پنجم : علل ظهور دولت رفاهی آمریکا و بحران دهه هفتاد :

قسمت اول : ظهور آمریکا در رهبریت نظام سرمایه داری و اهداف آن:

برتری اقتصاد آمریکا پس از جنگ دوم جهانی به خاطر نابودی سایر اقتصادهای صنعتی در طی جنگ بود که در واقع در وضعیت تاحدودی غیر عادی آمریکا قدرت رهبریت نظام سرمایه داری را به عهده گرفت , که اهداف آمریکا در نظام سرمایه داری به شرح ذیل است :

۱ - پذیرش رهبریت ایدئولوژیکی , سیاسی , استراتژیکی و نظامی نظام سرمایه داری جهان.

۲ - گسترش ارزشهای آمریکا به کشورهای نظام سرمایه داری.

۳ - صرفنظر نمودن از منافع اقتصادی برای بهبود اقتصاد شرکاء.

۴ - حمایت اقتصادی از شرکاء برای ممانعت از جلوگیری نفوذ شوروی.

۵ - ایجاد اقتصاد بین الملل به منظور استفاده سایر کشورها از آن .

۶ - احیاء خرابیهای پس از جنگ دوم با طرح مارشال تحت لوای کمک به اقتصادهای جنگ زده.

۷ - ضرورت اقتصادبرنامه ریزی شده برای رفاه مردم جنگ زده اروپا .

- ۸ - حضور و ورود سرمایه و تکنولوژیهای آمریکا به کشورهای اروپایی برای احیاء اقتصاد جنگ زده آن کشورها.
 - ۹ - درمان روانی^۱ نازیسم آلمان و میکیتاریسم ژاپن توسط آمریکا در بعد اقتصادی.
 - ۱۰ - پیدایش بسترهای لازم برای دولتهای استقلال طلب تحت عناوینی جنبش های ضد استعماری علیه زوال بریتانیا.
 - ۱۱ - ضرورت ورود دولتها در اقتصادهای جهان سوم پس از استقلال سیاسی این کشور از کشورهای استعماری.
 - ۱۲ - تقبل حفظ نظام سرمایه داری ولو با پذیرش جنگ های دو بلوک در کشورهای جهان سوم .
 - ۱۳ - هزینه های جنگ ویتنام و اداره آن توسط آمریکا .
 - ۱۴ - ایجاد پیمان های نظامی علیه اتحاد جماهیر شوروی تحت پیمانهای سیتو , سنتو و ناتوو
- قسمت دوم : ویژگیهای بحرانهای دولت آمریکا در دهه هفتاد :
- ۱ - رشد پایین .
 - ۲ - بیکاری عظیم.
 - ۳ - تورم دورقمی .
 - ۴ - بی ثباتی در ساختار مالی جهان به دلیل بدهی های عظیم کشورهای جهان سوم.
 - ۵ - تاثیر تورمی جنگ ویتنام .
 - ۶ - افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۳ به دلیل تحریم نفتی اعراب.
 - ۷ - افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۹ به دلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران.
 - ۸ - پایین آمدن قدرت خرید مردم آمریکا .

فصل ششم : شاخص های بحران دولت رفاهی آمریکا پس از جنگ تا دهه هفتاد:

الف) کاهش بهره‌وری نیروی کارآمد توسط دولتهای رفاهی بین دهه های پنجاه تا هشتاد.

۱۹۵۰ : ۲/۷۷

۱۹۶۰ : ۲/۲۸

۱۹۷۰ : ۱/۷۲

۱۹۷۷ : ۱/۴۵

توضیح : بهره‌وری دولت های رفاهی آمریکا از سه برابر به ۱/۵ برابر کاهش یافت .

ب : کاهش سهم آمریکا در تجارت جهانی به دلیل حضور دولت رفاهی بین دهه های پنجاه تا هشتاد.

^۱ Psychiatric

۱۹۵۰ : ۱۸/۴ %

۱۹۶۰ : ۱۵/۳

۱۹۷۰ : ۱۴/۴

۱۹۷۷ : ۱۳/۴

توضیح : سهم تجارت جهانی آمریکا در دولت رفاهی از دهه پنجاه تا دهه هشتاد ۲۷/۷۷ % کاهش داشت .

ج : کاهش ذخایر مالی آمریکا در دولت های رفاهی :

۱۹۵۰ : ۴۰ % جهان

۱۹۶۰ : ۲۱ % جهان

۱۹۷۶ : ۷ % جهان

توضیح : ذخایر مالی آمریکا در دولتهای رفاهی از دهه پنجاه تا دهه هفتاد ۸۲/۵ % تقلیل یافت .

د : سقوط سهم صادرات آمریکا در جهان در دولتهای رفاهی بین دهه های پنجاه تا هفتاد:

۱۹۵۰ : ۱۸ %

۱۹۶۰ : ۱۶ %

۱۹۷۶ : ۱۱ %

توضیح : سهم صادرات آمریکا در دولت های رفاهی ۳۸/۸ % کاهش یافت.

ه : شاخص سهم آمریکا نسبت به تولید نفت جهان :

۱۹۵۰ : ۵۳ %

۱۹۶۰ : ۳۳ %

۱۹۷۶ : ۱۴ %

توضیح : سهم آمریکا در تولید نفت جهانی در دولتهای رفاهی ۷۳/۵ % تقلیل پیدا کرد .

و : کاهش رشد تولیدات داخلی GDP آمریکا نسبت به مجموعه ژاپن و اروپا در دولتهای رفاهی بین دهه های پنجاه و هفتاد.

۱۹۵۰ : ۶۹/۱

۱۹۶۰ : ۶۲/۸

۱۹۷۰ : ۵۵/۱

توضیح : GDP آمریکا نسبت به مجموعه ژاپنی و اروپا در دولتهای رفاهی بین دهه های پنجاه و هفتاد ۲۰/۲۶٪ کاهش یافت.

ز : کاهش تجارت آمریکا نسبت به کل تجارت (آمریکا , ژاپن , اروپا) بین دهه پنجاه و هشتاد در دولتهای رفاهی

۱۹۵۰ : ۳۳

۱۹۶۰ : ۲۷/۵

۱۹۷۰ : ۲۳/۵

۱۹۸۰ : ۲۲/۱

توضیح : کاهش تجارت آمریکا نسبت به مجموعه سه اقتصاد بزرگ در دولتهای رفاهی ۳۳/۰۳٪ سقوط کرد .

ح : افزایش درصد واردات نفت آمریکا در دولتهای رفاهی بین دهه های شصت و هفتاد :

۱۹۶۷ : ۹

۱۹۷۳ : ۱۷

۱۹۷۹ : ۲۲

توضیح : واردات نفت در دولتهای رفاهی بین دهه شصت و هفتاد ۱۴۴/۴۴٪ افزایش پیدا کرد .

ط : افزایش درصد وابستگی آمریکا به ژاپن در دولتهای رفاهی در دهه های شصت و هفتاد:

۱۹۶۷ : ۱۵٪

۱۹۷۳ : ۲۰٪

۱۹۷۹ : ۲۹٪

توضیح : افزایش درصد وابستگی آمریکا در دولتهای رفاهی به ژاپن در دهه های شصت تا هفتاد به ۹۳/۳۳ درصد رسید.

ی : افزایش درصد وابستگی آمریکا به اروپا در دولتهای رفاهی در دهه های شصت و هفتاد :

۱۹۶۷ : ۱۸٪

۱۹۷۳ : ۲۸٪

۱۹۷۹ : ۴۸٪

توضیح : درصد وابستگی آمریکا به اروپا در دولتهای رفاهی در دهه های شصت و هفتاد ۱۶۶/۶۶٪ افزایش داشت .

فصل هفتم : تاثیرات بحرانهای دولتهای رفاهی بر اقتصاد آمریکا:

۱ - کاهش بهره وری تولیدات آمریکا نسبت به ژاپن و آلمان غربی ک

۲ - کاهش قدرت رهبریت تکنولوژیکی آمریکا .

- ۳ - کاهش کیفیت نیروی کار آمریکا .
- ۴ - از دست دادن کنترل سیستم پولی بر جهان .
- ۵ - از دست دادن کنترل بازار انرژی جهان .
- ۶ - از دست دادن رهبریت پولی در جوامع اروپایی .
- ۷ - افزایش تنش بین آمریکا و سایر کشورها .
- ۸ - کاهش نرخ پس انداز آمریکا از ۱۷٪ به ۱۲٪ و سپس به ۴٪ .
- ۹ - کاهش نرخ سرمایه گذاری آمریکا ، کاهش انباشت از ۱۷/۵٪ (۱۹۷۹) به ۱۶/۲٪ در سال ۱۹۸۵
- ۱۰ - افزایش بدهی عمومی و خصوصی آمریکا از ۴/۳ تریلیون دلار به ۸/۲ در سال ۱۹۸۵ .
- ۱۱ - کاهش رشد .
- ۱۳ - کاهش مواد خام .
- ۱۴ - کاهش رشد صنعتی شدن .
- ۱۵ - عدم توازن بین تعهدات خارجی آمریکا و قدرت آمریکا .
- ۱۶ - تبدیل آمریکا از کشور اعتباردهنده به کشور بدهکار .
- ۱۷ - تبدیل آمریکا از کشور خیر^۱ طرح مارشال به غارتگر^۲ .
- ۱۸ - کاهش شکاف تکنولوژیکی آمریکا با سایر کشورها .
- ۱۹ - کاهش ارزش افزوده آمریکا .
- ۲۰ - سقوط بخش های پیشرو آمریکا .

فصل هشتم : اقتصاد نئولیبرالیسم و اهداف آمریکا:

مقدمه : براساس این دیدگاه هر اقتصاد دارای دو بخش است یکی با کارآیی بالا و یکپارچگی و بخش دوم بخش سنتی و عقب مانده است . که این دو بخش به دلیل مدرنیزه شدن ساختارهای سیاسی و اجتماعی با هم ادغام می شوند . اتصال مرکز پیشرفته و پیرامون سنتی گرچه از طریق روابط سودجویانه صورت می گیرد ولی منجر به وحدت جهانی بازار می شود .

قسمت اول : عوامل موثر در جهانی شدن اقتصاد :

- ۱ - پولی شدن اقتصاد .

^۱ Benevolent
^۲ Predator

۲ - پیدایش شهرها .

۳ - پیشرفت حمل و نقل و ارتباطات .

۴ - توسعه بازار .

۵ - انباشت سرمایه .

۶ - ابداع تکنولوژی جدید .

قسمت دوم : کار آیی بازار و تعامل آن با ساختارهای جهانی:

۱ - بازار سبب افزایش کار آیی تولید و ثروت می شود .

۲ - بازار عامل موثر برای رقابت بازیگران اقتصادی است .

۳ - روند بازار ممکن است زمینه های وحدت نهایی در سطح جهانی در سطح جهانی اقتصاد در امکان پذیر سازد .

۴ - عوامل خارجی مانند ساختارهای سیاسی در سطوح و داخل و بین المللی بر بازار تاثیر گذارند .

۵ - تحولات تکنولوژیکی عامل مهمی در روند بازار محسوب می گردند .

۶ - پروسه بازار بر عوامل خارجی مانند ساختارهای سیاسی در سطوح داخلی و خارجی تاثیر گذار است .

۷ - تعامل بازار و عوامل خارجی موجب پویایی اقتصادی بین الملل است .

۸ - منطق بازار را نمی توان به منطق نیروهای اجتماعی تقلیل داد .

۹ - بازار محصول شرایط تاریخی ویژه است .

۱۰ - بازار نفوذ موثری بر تحولات تاریخی دارد .

۱۱ - تعامل دولت و بازار در چهارچوب تاریخی قابل فهم است .

۱۲ - بازار بدون منطق لیبرالیسم نمی تواند به حیات خود ادامه دهد .

۱۳ - تحولات تکنولوژیکی ، اقتصادی ، شرایط کافی را برای اقتصاد بازار فراهم می سازد .

۱۴ - اقتصاد بازار توسعه جهان را بیش از پیش در هم ادغام نمود .

قسمت سوم : تاثیرات ساختارهای بین المللی بر اقتصاد جهانی :

۱ - تعامل دولتها با بازار جهانی .

۲ - تقسیم بین المللی کار .

۳ - ایجاد شبکه های تجاری بین المللی .

۴ - ظهور سیستم پولی و مالی بین المللی .

- ۵ - مقررات رژیم های حاکم بر فعالیتهای اقتصاد جهانی مانند (سازمان تجارت جهانی ^۱) , (بانک جهانی ^۲) که باز گو کننده قدرت و عمل بازیگردان اقتصادی در بازار می باشد .
- قسمت چهارم : اهداف آمریکا در جهانی شدن اقتصاد نظام سرمایه داری:
- ۱ - حمایت از اقتصاد آزاد بین الملل.
 - ۲ - ایجاد ثبات اقتصادی برای توسعه اقتصاد جهان .
 - ۳ - دفاع از دموکراسی صنعتی .
 - ۴ - ایجاد محیط مطلوب برای نیروهای عرضه و تقاضا برای اقتصاد آزاد.
 - ۵ - همبستگی اقتصاد جهانی .
 - ۶ - اعمال رهبریت برای تامین کالاهای عمومی , ثبات ارزی , گسترش بازار های جهانی.
 - ۷ - فدانمودن منافع اقتصادی کوتاه مدت خود (آمریکا) برای منافع دراز مدت اقتصاد بین الملل .
 - ۸ - حل رهبریت سیاسی جهان .
 - ۹ - حل مشکل تعدیل .
 - ۱۰ - خاتمه دادن به اختلاف رژیم بین المللی و خود مختاری دولتها.
 - ۱۱ - همبستگی میان اقتصاد ملی و بین المللی در محیط استراتژیک .
 - ۱۲ - همبستگی دولتهای مستقل .
 - ۱۳ - دگرگونی از نرخ مبادله ثابت به متغیر ^۳ .
 - ۱۴ - مشکل توسعه ناموزون اقتصاد جهانی .
 - ۱۵ - عرضه کالاهای دسته جمعی و عمومی.
 - ۱۶ - ایجاد اقتصاد های همبسته ^۴ .
 - ۱۷ - ادغام بازار های جهانی از طریق توافق دولتهای ملی .
 - ۱۸ - ایجاد هماهنگی بین اقتصاد آمریکا , ایدئولوژی نئولیبرالیسم و منافع مشترک اقتصادی سرمایه داری.

فصل نهم : علل روی کار آمدن دولتهای لیبرالیسم جدید :

- ۱ - دگرگونی های اقتصادی و اجتماعی دهه هفتاد .

^۱ World Trade Organization

^۲ World Bank

^۳ From Fixed To Flexible

^۴ Economics Of Interdependence

- ۲- قدرت گرفتن پایگاه سرمایه داری راستگر آمریکا در مناطق جنوبی و غربی آمریکا به نام کمربند آفتابی^۱.
- ۳- برخوردن تعادل نسبی قوای نظامی آمریکا با شوروی .
- ۴- رقابت قدرتهای سرمایه داری رقیب ژاپنی و اروپا با آمریکا.
- ۵- آسیب پذیری طبقه حقوق بگیر .
- ۶- تاکید بر خطر شوروی , خط سرخ و برتری شوروی
- ۷- حمایت از تجدید برتری آمریکا.
- ۸- وطن دوستی افراطی .
- ۹- نارضایتی عمومی از سیاست های تنش زدایی.
- ۱۰- دیدگاه شدید میلیتاریستی و جنگ طلب
- ۱۱- نگرانیهای استراتژیکی .
- ۱۲- ایجاد سیلابهای ایدئولوژیکی یکدست .
- ۱۳- گسترش ناسیونالیسم ریشه دار طبقه کارگر آمریکا.
- ۱۴- کاهش توانایی های آمریکا .
- ۱۵- شکاف موشکی آمریکا .
- ۱۶- ایجاد مثلث آهنین جنگ سرد توسط کنگره , پنتاگون و تولید کنندگان جنگ افزارها.

فصل دهم : استراتژی دولت ریگان^۲

همانطور که در فصول پنجم و ششم اشاره گردید اقتصاد نئولیبرالیسم در واکنش اقتصاد کینزی بروز نمود. نسخه های فون هایک، رابرت نزیک و میلتن فریدمن در آمریکا ، انگلیس و کشورهایمانند استرالیا ، نیوزیلند و یرزیل تجویز شد . استراتژی دولت ریگان به شرح ذیل میباشد:

- ۱- کاهش مالیات برای افزایش رشد و سرمایه گذاری .
- ۲- تامین کسری بودجه ۲۰۰ میلیارد دلاری .
- ۳- افزایش نرخ بهره وری برای جذب سرمایه .
- ۴- شناور نمودن ارز .
- ۵- فروش موسسات تجاری ، مزارع و شرکتهای چند ملیتی خارج از آمریکا.

^۱ Sun Belt
^۲ Regan Administration

- ۶- شیفیت تامین هزینه اجتماعی به هزینه دفاعی .
- ۷- سرمایه گذاری خارجی مستقیم^۱ .
- ۸- کم کردن رشد شکاف^۲ بین آمریکا و اروپا .
- ۹- اقتصاد عرضه گرا ریگان^۳ یا اقتصاد جانبدار عرضه .
- ۱۰- ایجاد موسسات تولیدی در آمریکا .
- ۱۱- تلاش برای باقی نگه داشتن آمریکا به عنوان موتور اصلی رشد جهانی.
- ۱۲- مبارزه با رکورد دهه هفتاد و کینز گرایی افراطی .
- ۱۳- افزایش سطح اشتغال به دلیل فروش بازار تسلیحاتی (۳۵۰۰۰۰ شغل جدید) .
- ۱۴- کمک سفارش جنگ افزار به تولیدات غیر نظامی مانند : وسایل هواپیمای , موتور هواپیما , کامیون باری .
- ۱۵- اهمیت بهبود وضع اقتصادی به دلیل افزایش توان نظامی.
- ۱۶- تصویب بودجه ۲۱۶ میلیاردی ارتش در ۱۹۸۳.
- ۱۷- گسترش فروش جنگ افزار به خارج .
- ۱۸- ایجاد زراد خانه جدید استراتژیک.
- ۱۹- ارائه طرح دفاع استراتژیک^۴ در تقابل با شوروی.
- ۲۰- تمایلات جنگی به دلیل صنایع فضایی و تمایلات برتری اتمی آمریکا .
- ۲۱- سرکوبی چپ گرایان در اتحادیه های کارگری .
- ۲۲- محفوظ نگه داشتن سطح اشتغال موجود با تشویق طرحهای نظامی .
- ۲۳- حل مشکلات داخلی با هزینه های سایر کشورها .
- ۲۴- افزایش حمایت گرایی^۵ .
- ۲۵- افزایش تقاضا بالاتر از تقاضای جهانی .
- ۲۶- کابوس جنگ های تجاری .
- ۲۷- بازکردن بازار ژاپن .
- ۲۸- عمل متقابل تجاری با ژاپن.
- ۲۹- تغییر از چند جانبه گرایی^۶ به جزئی گرایی^۱ .

^۱ Foreign Direct Investment

^۲ Growth Gap

^۳ Supply Side Economies

^۴ Strategic Defence Initiative

^۵ Protectionism

^۶ Multilateralism

- ۳۰- مذاکرات دو جانبه به بر پایه بخش به بخش .
- ۳۱- موضوع انتقال تکنولوژی های با کاربرد دو گانه^۲ (صنعتی , و نظامی) (کامپیوتر , مخابرات , پروسه اطلاعات) .
- ۳۲- مقابله با تجارنهای برنامه ریزی شده اروپا .
- ۳۳- مقابله با تجارنهای سازمان یافته .
- ۳۴- مقابله با حمایت گرایي بخشی اروپا و گشودگی نسبی بازار آن .
- ۳۵- تحت فشار قرار دادن ژاپن و اروپا برای رفرم در سوبسید ها .
- ۳۶- تحت فشار قرار دادن ژاپن و اروپا برای لیبرالیزه کردن خدمات (بانکداری و مخابرات)
- ۳۷- ایجاد مجموعه جدید منافع^۳ .
- ۳۸- بررسی بیشتر نسبت به اقتصاد بر انرژی^۴ به اقتصاد دانش بر^۵ .
- ۳۹- موضوع چه کسی , چه چیزی و کجا تولید کند .
- ۴۰- پیروی از منطق بازار^۶ .

فصل یازدهم : کارایی استراتژی دولت ریگان :

- ۱- انتقال بیکاری به سایر اقتصادها با خط مشی فقیر سازی همسایه^۷ .
- ۲- کاهش تورم از ۱۲/۴٪ به ۳/۸٪ (از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳) .
- ۳- افزایش رقابت و سوداگری .
- ۴- تاثیر دیدگاه ریگان بر افکار عمومی .
- ۵- ظهور نظم جدید اقتصاد بین المللی .
- ۶- بروز نرم بین المللی اقتصادی و هماهنگی آن با خود مختاری داخلی .
- ۷- کارایی رژیم های اقتصادی بین المللی در سرمایه گذاری بین المللی , مشکلات بدهی جهان , انتقال تکنولوژی و امور مالی جهان .

^۱ Minilateralism

^۲ Dual Technology

^۳ New Constellation Of Interest

^۴ Energy Intensive

^۵ Knowledge Intensive

^۶ Logic Of Market

^۷ Hagger My Neibor

فصل دوازدهم : تاجریسم :

تاجریسم در راستای دیدگاه ریگان و استراتژی ریگانیسم قرار دارد . اهداف تاجر در واقع دگرگونی محافظه کارانه در حیات اجتماعی بریتانیاست . خانم آهنین^۱ انگلیس در نظر داشت اتحادیه های کارگری و نظام رفاه اجتماعی ، وسیستم دولت رفاهی را از صحنه اقتصادی بریتانیا خارج سازد . اقدامات تاجر به استقرار قانون ، نظم و افزایش اعتبارات نظامی انجامید .

همانطور که در فصول قبلی اشاره شد ابزارهای عقیدتی این دگرگونی از مدتها پس از شروع دومین جنگ سرد فراهم گردید . شبیه جریان تاجریسم در آمریکا نه تنها با بر آمدن ارزشهای سنتی بلکه با شیوع افکار محافظه کترتنه نوین همراه گردید . نمونه بارز این گرایش کتاب پر فروش ثروت و فقر^۲ آقای جورج گیلدر^۲ در سال ۱۹۸۱ است . که کتاب گیلدر با این عبارت شروع می شود "بر جسته ترین رخداد ادوار اخیر در زمینه سیر و تحول فکر مرگ آرمانهای سوسیالیستی است" . گیلدر می نویسد "تنها محمل مطمئن برای تجارت از فقر : کار ، خانواده و ایمان است" در پایان می توان تاثیرات تاجریسم را بطور خلاصه تحت عناوین ذیل مطرح نمود :

۱ - خروج نظام رفاه اجتماعی از صحنه دولت رفاهی .

۲ - بیرون کردن اتحادیه های کارگری .

۳ - استقرار قانون و نظم .

۴ - افزایش اعتبارات نظامی .

۵ - دگرگونی و تغییر محافظه کارانه در نظام اجتماعی بریتانیا.

۶ - فروش خدمات ، رادیو ، تلویزیون ، راهها ، خدمات پزشکی ، دامشگاهها ، و مدارس گرچه در فصول گذشته بیشتر به ریگانیزم اشاره شد به این دلیل میباشد که اقتصاد آمریکا یک اقتصاد هژمونیک است که کارکرد بیشتری بین دولتها و در سطح جهانی دارد . هدف اقتصاد ریگانیزم در واقع هماهنگی بین هژمون ، ایدئولوژیهای لیبرال و دولتهای مستقل تحت عناوینی دولت ملتهاست .

به طور اساسی طرح های اقتصادی و میلیتاریستی آمریکا در دوره ریگان توانست زمینه وابسته های لازم را برای سقوط اقتصادهای برنامه ریزی شده و سوسیالیستی بلوک شرق و همچنین سقوط اتحاد جماهیر شوروی را با طرح ابتکار دفاعی استراتژیک فراهم سازد .

^۱ Iron Lady

^۲ Wealth And Poverty By George Gilder

فصل سیزدهم : بررسی تاجریسم و ریگانیزم:

قسمت اول : علل بروز تاجریسم و ریگانیزم :

- ۱- سازمان برنامه ریزی با همه اطلاعات نمی تواند مجموعه معارف , اطلاعات , را در اختیار ما قرار دهد .
 - ۲- اگر بازار محدود شود رشد فکری نیز محدود می شود .
 - ۳- در اقتصاد روشی وجود دارد ضد تمرکز گرایی و مرکز زدایی که طلایه دوران جدید محسوب می شود.
 - ۴- تحولات عمده در عرصه نظام اقتصادی منجر به زوال دولتهای رفاهی و تمرکز اقتصادی و دولتها در اقتصاد شد .
- ظهور لیبرالیزم جدید با زوال سوسیالیسم دولتی و انقراض دولت شوروی همراه گردید .
- ۶- بین آزادی و سرمایه داری پیوستگی وجود دارد .
 - ۷- تنها در سرمایه داری آزاد گرایش سازمان شکنی در همه عرصه اقتصادی امکان پذیر است .

قسمت دوم : کارآیی و تاثیرات ظهور تاجریسم و ریگانیزم :

- ۱- خصوصی سازی و حمایت بخشهای خصوصی بین المللی از این گرایشها .
- ۲- شناور نمودن ارز^۱.
- ۳- مقررات زدایی و گریز از تنظیم .
- ۴- برداشتن کنترل از قیمتها .
- ۵- سازمان شکمی و مرکز گریزی .
- ۶- بین المللی شدن تکنولوژیک , اینترنت و موبایل در سطح تولید , توزیع , مصرف .
- ۷- تصنیف مرزهای ملی در حوزه سیاسی .
- ۸- کاهش قدرت دولتها به عنوات زائده های سیاسی.
- ۹- منطقه گرایی .
- ۱۰- جهان گرایی.
- ۱۱- قبول این نکته که بازار دارای نظم خود جوش و دارای اطلاعات علمی , اقتصادی و معرفتی است.
- ۱۲- مرگ دولت رفاهی .
- ۱۳- مرگ برنامه ریزی دولتها در حوزه اقتصادی.
- ۱۴- مرگ دولت سوسیالیستی .
- ۱۵- نقد برنامه ریزی , تمرکز و مهندسی اجتماعی.
- ۱۶- خروج تعیین سرنوشت اقتصاد از حوزه اقتدار دولتها.

^۱ Devaluation

فصل چهاردهم : دخالت دولتها و آینده اقتصاد جهانی :

قسمت اول : مشکلات اقتصاد جهانی :

- ۱- هما هنگی بین کینز گرایی داخلی^۱ و اسمیت گرایی در خارج^۲.
- ۲- تغییر بارز حاصل جمع صفر^۳ به بازی حاصل جمع مثبت^۴.
- ۳- پیروزی آمریکا در تحقیق اصول نئولیبرالیسم یا عدم پیروزی آن.
- ۴- هژمون جدید چه کسی خواهد شد؟
- ۵- سقوط اقتصاد لیبرال جهان .
- ۶- سازش اقتصاد کینزی با عزم های بین المللی .
- ۷- حل نا سازگاری بین نیروهای همگرا^۵ و نیروهای گریز از مرکز در اقتصاد لیبرال جهانی.
- ۸- مشخص شدن اینکه برندگان و بازندگان اقتصاد جهانی چه کشورهایی هستند؟
- ۹- عدم دسترسی تعداد بسیاری از جوامع به بازار جهانی .
- ۱۰- نیاز بسیاری از جوامع به کمکهای اقتصادی برای رهایی از فقر.
- ۱۱- عدم کارایی اقتصاد جهانی در عدم تبعیض .
- ۱۲- مشخص نبودن تبعات اقتصاد جهانی برای صلح بشری در آینده.

قسمت دوم : راه حل ها :

- ۱- ایجاد سیستم مختلط (چند جانبه گرایی , منطقه گرایی و حمایت بخشی) .
- ۲- ایجاد همبستگی خیر خواهانه بین اقتصادهای جهانی.
- ۳- تداوم هژمون آمریکا .
- ۴- نوید تکنولوژیهای برتر مانند (نانو تکنولوژی , بتو تکنولوژی , سلولهای بنیادین) و
- ۵- کارد کردهای مکمل بین کارکرد هژمون و رژیم های بین الملل.
- ۶- تامین نسبی صلح بین المللی از طریق آمریکا .
- ۷- تامین بازار آزاد برای کالا .
- ۸- دسترسی به نفت به قیمت مناسب.
- ۹- نفوذ هژمون بر ثبات سیستم پولی بین المللی.

^۱ Keynes At Home

^۲ Smith At Abroad

^۳ Zero Sum Game

^۴ Positive Sum Game

^۵ Integrating Forces

منابع تحقیق

- ۱- مدیریت استراتژیک ، فرد آر ، دیوید ، ترجمه دکتر پارسائیان و دکتر اعرابی ، دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ نهم
تهران ۱۳۸۵
- ۲- استراتژیک بزرگ ، جان ام ، کالینز ، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی چاپ دوم ، تهران ،
۱۳۷۳
- ۳- استراتژی معاصر ، جان بیلیس ، کن بوث ، جان گارنت ، فیل ویلیامز ، ترجمه میر فخرایی ، دفتر مطالعات سیاسی
و بین المللی ، تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۷۳
- ۴- استراتژی بزرگ ، هلموت اشمیت ، ترجمه همایون پور ، انتشارات علمی فرهنگی تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۷۳
- ۵- ژئو استراتژی : تالیف دکتر غرتی ، سمت ، چاپ اول ، تهران ۱۳۷۳
- ۶- تحول مفاهیم ، مجموعه مقالات ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۰
- ۷- مقدمه‌های بر استراتژی ، آندره بوفر ، ترجمه کشاورز ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۶۹
- ۸- استراتژی و تحولات ژئو پولتیک پس از جنگ سرد ، ناصر ثقفی عامری ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ،
تهران ، ۱۳۷۳
- ۹- استراتژی اقدام ، آندره بوفر ، ترجمه مسعود محمدی ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، چاپ دوم ، تهران ،
۱۳۶۹
- ۱۰- لیبرالیسم و محافظه کتری ، دکتر بشیریه ، نشر نی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۸
- ۱۱- دومین جنگ سرد جهانی ، فرد هالیدی ، ترجمه همایون پور ، انتشارات آگاه ، ۱۳۶۴
- ۱۲- نقد و بررسی آثار بزرگ سیاسی سده بیستم ، مدرس کینز ، موری فورسیت ، انتشارات دانشکده حقوق و علوم
سیاسی ، ترجمه عبدالرحمان عالم ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۸۰
- ۱۳- دولت عقل ، دکتر حسین بشیریه ، موسسه نشر علوم نوین ، چاپ اول ، ۱۳۷۴
- ۱۴- دولت و جامعه مدنی ، دکتر حسین بشیریه ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، چاپ اول ، ۱۳۷۸
- ۱۵- ملیت زدایی از پول ، فون هایک Denationaligation of money
- ۱۶- قیمت ها و تولید فون هایک Prices & Production
- ۱۷- راهی به سوی بردگی فون هایک The road to serfdom
- ۱۸- فرد گرایی و نظم اقتصادی فون هایک In dividualism & Economic order
- ۱۹- سرمایه داری و تاریخ نویسان فون هایک Capitalism & Historians
- ۲۰- بنیاد آزادی فون هایک The constitution of li herty

Law Leyis lation & Liberty	۲۱ - قانون , قانونگذاری و آزادی فون هایک
Full Employment at any price	۲۲ - اشتغال کامل به هر قیمت فون هایک
The mirage of social justice	۲۳ - سراب عدالت اجتماعی فون هایک
The political order of free people	۲۴ - سامان سیاسی مردمان آزاد فون هایک

